

The Decline and Fall of the Political and Religious Authority of the Mirzayi Family in Zanzan Society

Hasan Rostami¹

Abstract:

The Mirzayi family, aligned with Safavid policies, migrated from Iraq to Zanzan. The Safavid state supported the scholars of this family by granting them extensive lands. The Mirzayi family remained influential until the late Qajar period, being recognized as one of the prominent families of Zanzan. However, over the subsequent decades, their political and religious authority gradually declined, and today they hold no significant role in Zanzan society.

Purpose: This study aims to investigate and explain the political and religious position of the Mirzayi family, addressing the question: how did the political and religious status of the Mirzayi family in Zanzan deteriorate? What factors led to the decline of their authority and status?

Method and Research Design: The research employs a historical method with a descriptive-explanatory approach. It is based on library sources, articles, interviews, and documents related to the Mirzayi family from both governmental and private archives.

Findings and Conclusion: During the reign of Naser al-Din Shah Qajar, Mirza Abolqasem Mojtahed was a trusted advisor to the court and held a significant position among various social groups. After his death, his descendants assumed leadership roles within the Zanzan community, overseeing major religious courts. However, the family's influence began to wane after Mirza Abotaleb, the second son of Mirza Abolqasem, migrated to Tehran, and the youngest son, Mirza Abodollah, died prematurely. Additionally, Mirza Abolmakarem, the eldest son and successor as the family head and leading religious scholar in Zanzan, lacked the necessary strength, stability, and courage to manage various social and political developments, weakening the family's standing. The Constitutional Revolution further harmed the Mirzayi family, accelerating their decline due to their ethical traits and political actions. The early deaths of some family members, alignment with Reza Shah's modernization efforts, financial disputes over ancestral inheritance, migration from Zanzan, and the pursuit of secular professions all contributed to the degradation of the family's religious and political stature.

Keywords: Qajar; Mirza Abolqasem; Constitutional Revolution; Mirza Abolmakarem; Mirza Abotaleb; Mirza Mahdi.

Citation: Rostami, H. (2024). The Decline and Fall of the Political and Religious Authority of the Mirzayi Family in Zanzan Society. *Ganjine-ye Asnad*, 34(1), 78-114 | doi: 10.30484/ganj.2024.3140

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. PhD in History of Iran, Tabriz University, Tabriz, Iran
rostami.h1210@gmail.com

Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«133»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2024.3140

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 34, No.1, Spring 2024 | pp: 78-114 (37) | Received: 23, Apr. 2022 | Accepted: 23, Dec. 2022

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیمی

مقاله پژوهشی

زوال و انحطاط جایگاه مرجعیت سیاسی و دینی خاندان میرزایی در جامعه زنجان

حسن رستمی^۱

چکیده

خاندان میرزایی هم‌سو با سیاست‌های صفویان و با مهاجرت از عراق، به زنجان وارد شدند. در ادامه دولت صفوی با اعطای زمین‌های فراوان، علمای این خاندان را پشتیبانی کرد. خاندان میرزایی در دوره‌های بعد تا اواخر عصر قاجار در اجتماع حضوری مؤثر داشتند و به‌عنوان یکی از خاندان‌های مهم زنجانی شناخته می‌شدند؛ ولی در دهه‌های بعد به‌تدریج مرجعیت و اعتبارشان رو به افول گذاشت و امروزه نقش و جایگاهی در جامعه زنجان ندارند.

هدف: در پژوهش حاضر با بررسی و تبیین موقعیت سیاسی و مذهبی و علل زوال جایگاه خاندان میرزایی، به این پرسش می‌پردازیم که جایگاه دینی و سیاسی خاندان میرزایی در زنجان چگونه از بین رفت؟ و چه مسائلی موجب زوال اعتبار و جایگاه این خاندان شد؟

روش/ رویکرد پژوهش: روش مقاله، پژوهش تاریخی است که با رویکرد توصیفی-تبیینی و براساس منابع کتاب‌خانه‌ای، مقاله، مصاحبه و اسناد خاندان میرزایی در سازمان‌های دولتی و خصوصی، به موضوع پرداخته است. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** میرزا ابوالقاسم مجتهد در دوره ناصرالدین شاه قاجار طرف مشورت دربار قرار داشت و از جایگاهی بالا در میان گروه‌های مختلف برخوردار بود. با مرگ او، بازماندگانش به ریاست بخشی از جامعه زنجان رسیدند و صاحب بزرگ‌ترین محاکم شرع شدند؛ ولی چند سال بعد با مهاجرت میرزا ابوطالب فرزند دوم میرزا ابوالقاسم به تهران و مرگ زودهنگام میرزا ابوعبدالله فرزند کوچک‌تر میرزا ابوالقاسم و نیز عدم اقتدار، ثبات و شجاعت لازم میرزا ابوالمکارم در جریان‌های مختلف اجتماعی و سیاسی به‌عنوان جانشین پدر - بزرگ خاندان و عالم طراز اول در زنجان - به موقعیت و جایگاه میرزایی‌ها خدشه وارد آمد. جنبش مشروطه نیز به‌ضرر خاندان میرزایی تمام شد و آن‌ها بنابه خصایل اخلاقی و کنش‌های سیاسی، این زوال را تسریع کردند. مرگ زودهنگام برخی از اعضای خاندان میرزایی، همگامی بازماندگان با نوسازی‌های عصر رضاشاه، رقابت‌های مالی بر سر میراث اجدادی، مهاجرت از زنجان و کسب پیشه غیردینی، موجب انحطاط جایگاه مذهبی و سیاسی خاندان میرزایی شد.

کلیدواژه‌ها: قاجار؛ میرزا ابوالقاسم؛ مشروطه؛ میرزا ابوالمکارم؛ میرزا ابوطالب؛ میرزامهدی.

۱. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
rostami.h1210@gmail.com

استناد: رستمی، حسن. (۱۴۰۳). زوال و انحطاط جایگاه مرجعیت سیاسی و دینی خاندان میرزایی در جامعه زنجان. *گنجینه اسناد*، ۳۴ (۱)، ۷۸-۱۱۴. doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۴.۳۱۴۰



گنجینه اسناد

۱۳۲

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۲۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۴.۳۱۴۰

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۴، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۳ | صص: ۷۸-۱۱۴ (۳۷)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۱

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

علما در جریان‌های اجتماعی و سیاسی تاریخ ایران حضوری تأثیرگذار داشته‌اند. بعد از به قدرت رسیدن دولت صفوی، زمینه لازم برای نفوذ و اقتدار بیشتر علما فراهم شد و به تدریج خاندان‌های علمی از مناطق مختلف به ایران وارد شدند. این نفوذ بعد از رکود در دوره نادرشاه، در اعصار بعد ادامه یافت و علما در دوره قاجار به اوج اقتدار و جایگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رسیدند. بنابه اسناد و مدارک تاریخی، اغلب علمای بزرگ وابسته به خاندان‌های قدیمی، توان تهدید و تحدید اختیارات دولت را داشتند و در عرصه معادلات قدرت تأثیرگذار بودند. امر قضاوت و رسیدگی به مراغه و مقابله با ظلم‌وستم حاکمان و خوانین، از جمله اقدامات علما در جامعه بود. برخی از علما با دارا بودن اراضی و مستغلات و قدرت و نفوذ فراوان، در جریان‌های مختلف اهداف و خواسته‌هایشان را پیش می‌بردند.

در ولایت خمسه با مرکزیت زنجان، خاندان میرزایی از گروه‌های مهمی بودند که از اوایل دوره صفوی با مهاجرت از عراق، بخشی از مرجعیت دینی و سیاسی منطقه را برعهده گرفتند. پادشاهان صفوی نیز با اهدای روستاها و اراضی فراوان، از آن‌ها حمایت کردند. میرزایی‌ها که از اوایل دوره قاجار یکی از مهم‌ترین خاندان‌های زنجانی بودند، در دهه‌های بعد و به تدریج جایگاه اجتماعی و سیاسی خود را از دست دادند. با مروری بر سرگذشت خاندان میرزایی از اواخر عصر قاجار تا دوره محمدرضا شاه پهلوی، سیری نزولی در جایگاه این خاندان دیده می‌شود. حال در پژوهش حاضر به این پرسش می‌پردازیم که چگونه مرجعیت دینی و سیاسی خاندان میرزایی از بین رفت؟ و چه مسائلی موجب زوال اعتبار و جایگاه این خاندان شد؟

پیشینه پژوهش: در فصل‌نامه «فرهنگ زنجان»، یوسف محسن اردبیلی در مقاله‌ای با عنوان «رجال علمی زنجان، خاندان میرزایی»، برخی از بزرگان این خاندان را معرفی کرده‌است. مقاله فصل‌نامه «مطالعات تاریخ اسلام» بانام «اندیشه‌ها و کنش‌های سیاسی میرزا ابوالمکارم و میرزا ابوطالب زنجانی، برگگی از مشروطه ایران و زنجان» نوشته عباس قدیمی قیداری و حسن رستمی، فعالیت‌های برادران زنجانی در عصر مشروطه را بررسی کرده‌است.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع کتاب‌خانه‌ای، مقاله، مصاحبه و با تکیه بر اسناد خاندان میرزایی در سازمان‌های دولتی و خصوصی، به شیوه توصیفی-تبیینی به موضوع پرداخته‌است.

۲. موقعیت و جایگاه سیاسی و مذهبی خاندان میرزایی در اوایل عصر قاجار

خاندان میرزایی از خانواده‌های قدیمی زنجان بودند و به‌عنوان مرجعیت دینی و سیاسی منطقه خمسه شناخته می‌شدند. جد اعلای این خاندان «مرادآقا میرزاسلیم» از آبادی



شاه کوفه واقع در منطقه حله عراق مهاجرت کرد و با ورود به ایران، شاه تهماسب صفوی از او تجلیل کرد (موسوی زنجانی، ۱۳۵۲، ص ۱۷۵؛ اسناد خاندان میرزایی، ۱۴۰۰). «آقاسید محسن» از اجداد این خاندان در زمان حمله افغان‌ها، به روستاهای اطراف زنجان پناه برد؛ ولی کتابخانه‌اش را به آتش کشیدند و از بین رفت. «سید محمد کاظم» از نوادگان آقاسید محسن با طی دروس مقدماتی، راه عتبات را پیش گرفت و به درس آقاسید علی صاحب ریاض وارد شد. او در نجف به مقام اجتهاد نائل آمد و سال ۱۲۲۴ ق به زنجان بازگشت و به مدت هشت سال به ارشاد و محکمه‌داری پرداخت. محمد کاظم به دلیل بیماری در سال ۱۲۳۲ ق درگذشت (موسوی میرزایی، ۱۳۲۶ ب، صص ۳۵-۳۶؛ اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). همسرش نیز به فاصله شش ماه از دنیا رفت و از بین فرزندانش، «ابوالقاسم» بعدها به اعتبار و شهرت رسید. میرزا ابوالقاسم سال ۱۲۲۲ ق متولد شد. با مرگ والدینش و اختلاف مالی اش با عموها، به سختی افتاد. اندکی بعد با طی تحصیلات مقدماتی و تشویق عبدالله میرزا (دارا)^۱ حاکم زنجان، به قزوین رهسپار شد و به درس عبدالوهاب شریف قزوینی و محمد تقی برغانی وارد شد. او پس از بازگشت و اقامت چهار ساله در زنجان، برای تکمیل تحصیلات به اصفهان راهی شد و به حضور محمد ابراهیم کلباسی و محمد باقر شفتی رسید. میرزا ابوالقاسم سال ۱۲۵۲ ق در سن ۳۵ سالگی با کسب اجازه از علما به زنجان بازگشت (شرح زندگی علمای خمسه، ۱۴۰۰، برگ ۸؛ اسناد خاندان میرزایی، ۱۴۰۰).

میرزا ابوالقاسم به دلیل حمایت میرزا آقاسی صدراعظم از تصوف و دشمنی اش با علما، در سال ۱۲۶۰ ق به تهران احضار و بازجویی شد. سال ۱۲۶۳ ق، علی اشرف خان ماکوئی حاکم زنجان به برخی از بانوان شهر تعرض کرد. زنی با استمداد از عابران و مغازه داران، میان بازار زنجان فریاد کشید، تا اینکه جمعیت بزرگی شورش کردند و حاکم پس از ضرب و شتم، متواری شد. چون جریان شورش زنجان‌ها به گوش شاه رسید، نایب‌ایشیک آقاسی به زنجان روانه شد. نایب که سبب طغیان را می‌دانست، با وساطت، از واکنش تنبیهی شاه جلوگیری کرد (سپهر، ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۹۱۴). به گفته نوادگان میرزا ابوالقاسم، این جریان موجب بدبینی آقاسی به جدشان (میرزا ابوالقاسم) شد؛ در نتیجه بار دیگر او برای محاکمه به تهران احضار شد. او در جلسه محاکمه بی‌ترس و بی‌ملاحظه، سخن آقاسی درباره بازگشت دوباره حاکم به زنجان را با جمله «کل مفعول منصوب»^۲ جواب داد. این موضوع تبعید و اقامت دوباره میرزا ابوالقاسم در تهران را باعث شد. مدتی بعد با مرگ محمد شاه قاجار و برکناری صدراعظم [آقاسی]، میرزا ابوالقاسم به زنجان بازگشت و حوزه درس و محکمه پدر را در اختیار گرفت (میرزایی، مصاحبه، ۱۳۹۹؛ میرزایی، بی تا، ص ۳).

۱- دارا: تخلص عبدالله میرزا در شعر.
۲- این عبارت دوپهلوست. معنای ظاهری آن به علم نحو مربوط می‌شود که در آن حرکت مفعول در جمله فتنه (نصب) است و در نتیجه مفعول از جمله منصوبات است. مفعول همچنین در فقه اسلامی بر انجام کاری شیخ (لواط) دلالت دارد و گوشه میرزا ابوالقاسم به این موضوع است؛ و در این عبارت به این معنا است که: در حکومت تو تمام خطاکاران (لواط‌کاران) به حکمرانی منصوب شده‌اند.



با آغاز جنگ بایبیت در زنجان، میرزا ابوالقاسم در کنار امام جمعه سید محمد مجتهد، به مقابله با طرفداران علی محمد باب برخاست و آثاری در رد بایبان نوشت (اعتضاد السلطنه، ۱۳۶۲، ص ۶۲؛ محبوبی اردکانی، ۱۳۸۰، ج ۲، صص ۷۵۵-۷۵۶). نتیجه این جنگ برای زنجان بی‌خانمانی و کشتار بود؛ ولی موجب شهرت هرچه بیشتر میرزا ابوالقاسم شد و ناصرالدین شاه نیز به او خلعت‌های فراوان بخشید (اسناد خاندان میرزایی، ۱۴۰۰). با درگذشت میرزا ناصرالله شیخ‌الاسلام و سید محمد مجتهد سردانی (امام جمعه) که از علمای بزرگ منطقه خمسه بودند، جایگاه و اشتهار میرزا ابوالقاسم بالاتر رفت. در سال ۱۲۷۰ق، استفتاء مغرضان از ملا آقا دربندی طهرانی درباره مقام علمی میرزا ابوالقاسم و میرزا عبدالواسع امام جمعه فرزند سید محمد مجتهد، موجب ارسال این نوشته شد: «شئون و مراتب ایشان در مرتبه‌ای است که حکم احدی از علمای آذربایجان^۱ به حکم ایشان مقدم نخواهد شد. در عین تعارض و علاوه بر این مکرر گفته‌ام و نوشته‌ام که ایشان -متع الله المسلمین بوجودهما-^۲ از قبل این احقر عبادالله خادم‌العلوم امین و وکیل می‌باشند» (اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان، ۱۴۰۲). در سال‌های بعد، شهرت میرزا ابوالقاسم به‌جایی رسید که در مسائل قضایی مربوط به زنجان، طرف مشورت مستقیم شاه قاجار قرار می‌گرفت؛ به‌طوری‌که یکی از درباریان پیشنهاد داد لقب «افتخارالعلماء» به یکی از فرزندان اعطا شود. در اواسط دوره ناصری، طبقات مختلف در نامه‌ها او را با القابی نظیر «قبله‌گاه‌ها»، «امیدگاه‌ها»، «مخدوما»، «سرکار مجتهد»، «نایب‌الامام»، «فخرالمحققین» و «ختم‌المجتهدین» خطاب می‌کردند (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲؛ قاسمی اندرود و خطیبی، ۱۳۹۴، ص ۵۱).

وفات میرزا ابوالقاسم پس از دوره‌ای بیماری، در سال ۱۲۹۲ق روی داد. با توجه به جایگاه بالا و شهرت او در میان گروه‌های مختلف، فرزندان و نوادگان او بانام «میرزایی» شناخته شدند و مزارش در دهه‌های بعد مورد توجه سیاحان داخلی و خارجی قرار گرفت (شرح زندگی علمای خمسه، ۱۴۰۰، برگ ۷-۸؛ براون، ۱۳۸۱، ص ۱۰۱؛ سررشته‌دار، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۴۲). با مرگ میرزا ابوالقاسم، فرزندان به جریان‌ها و حوادث مختلف اجتماعی وارد شدند؛ موضوعی که به‌نظر می‌رسد شروع انحطاط میرزایی‌ها در سال‌های بعد بوده باشد.

۳. آغاز زوال خاندان میرزایی در سال‌های پیش از مشروطیت

میرزا ابوالقاسم مجتهد، سه فرزند پسر داشت بانام‌های عزالدین محمد ابوالمکارم (۱۲۵۵-۱۳۳۰ق)، فخرالدین محمد ابوطالب (۱۲۵۹-۱۳۲۹ق) و شمس‌الدین محمد ابوعبدالله (۱۲۶۲-۱۳۱۳ق) (دارالسعادة زنجان...، ۱۳۹۷، ص ۱۳۱؛ زنجانی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۰؛ اسناد خاندان

۱- علمای عتبات غالباً روحانیون ترک‌زبان ایران را به دلیل جایگاه و اهمیت دارالسلطنه تبریز، آذربایجان خطاب می‌کردند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۴۹، ج ۲، صص ۱۳۱-۱۳۲).

۲- متع الله المسلمین بوجودهما: خداوند از وجود ایشان به مسلمین بهره دهد.



میرزایی، ۱۴۰۰). این سه برادر پس از طی دروس مقدماتی در زنجان و تحصیل در شهرهای مختلف، به نجف رهسپار شدند. برادران میرزایی پس از اتمام تحصیلات حوزوی، با کسب اجازه از علما به زنجان بازگشتند و به شغل محکمه‌داری پرداختند. در اسناد سال‌های پس از تحصیلشان، عرایض، شکوائیه‌ها، تأیید رسید، نظارت بر اماکن موقوفه و انجام مصالحه‌نامه و مباحثه‌نامه وجود دارد (اسناد خاندان میرزایی، ۱۴۰۰؛ اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲).

با مرگ پدر، میرزا ابوطالب که به لحاظ علمی بالاتر از سایر برادران به نظر می‌رسید، با هدف ترقی و رفاه بیشتر، در سال ۱۳۰۰ ق به تهران راهی شد (موسوی میرزایی، ۱۳۲۶ ب، ص ۴۲؛ شبیری زنجان، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۴۶۸). با مهاجرت میرزا ابوطالب (یکی از فرزندان میرزا ابوالقاسم)، عرصه برای قدرت‌یابی علمای رقیب فراهم شد. به گفته احتشام السلطنه، میانه میرزا ابوالمکارم با سایر برادرانش مساعد نبود. میرزا ابوعبدالله «آمدورفت و مداخله در امورش زیاد و میرزا ابوطالب متکبر، کم عقل، پرمدا و بی پول و از دو برادرش بدتر و دارای خبط دماغ بود. مردی متفرعن [و] خیال‌پرداز بود. شاه‌زاده رکن‌الدوله برادر شاه را تقی می‌خواند و هر وقت ملاقاتی دست می‌داد، از خبط و خطاهای شاه و مشورت‌هایی که به وسائل محرمانه از او می‌کرد، صحبت می‌نمود» (احتشام السلطنه، ۱۳۹۲، ص ۸۸ و صص ۱۵۸-۱۵۹).

با مرگ زود هنگام میرزا ابوعبدالله در سال ۱۳۱۳ ق - که در بین علما بیشتر از میرزا ابوالمکارم قدرت داشت و به هیئت حاکمه نیز نزدیک بود - برادر بزرگ تهاتر از گذشته شد و مدتی از فرط ناراحتی مریض شد (احتشام السلطنه، ۱۳۹۲، ص ۸۸؛ اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). به گفته محسن میرزایی نوه ابوعبدالله، او به لحاظ خصایل نفسانی، شجاع‌تر از میرزا ابوالمکارم بود و در مجالس علما، مقابل اقتدار علمای نوظهور روستایی نظیر آخوند ملاقربان‌علی می‌ایستاد. برآمدن روحانیان تازه‌واردی نظیر ملاقربان‌علی دشمنی دامنه‌داری را در پی داشت. ملاقربان‌علی فرزندان میرزا ابوالقاسم را به طعنه «میرزا اوشاق‌لاری»^۱ می‌نامید (میرزایی، مصاحبه، ۱۳۹۹). این رقابت‌ها عرصه‌ای برای قدرت‌نمایی و پیشبرد اهداف گروه‌های مخالف بود و عاملی برای زوال جایگاه اجتماعی خاندان میرزایی به نظر می‌رسید. در این باره، میرزا ابوالمکارم در جریان اعطای مناصب فراش‌باشی، داروغگی، بیگلربیگی و پیشکاری، به مخالفت با حاکم شهر پرداخت و با پشتیبانی برخی از گروه‌ها بر سر مسائل پیش‌پاافتاده، مرجعیت و جایگاه بالای اجتماعی و مذهبی خاندان را پائین آورد (احتشام السلطنه، ۱۳۹۲، صص ۱۰۹-۱۱۲؛ سالور، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۵۶۳؛ حاجی‌وزیر، ۱۳۸۹، صص ۱۸۶-۱۸۷).

نوع برخورد با گروه‌های مختلف در جذب و دفع افراد تأثیرگذار بود. میرزا ابوالمکارم غالباً پیشکارانش را با عناوینی نظیر «عالی‌مقام» و «عالی‌قدر» خطاب قرار می‌داد و در بانان

۱. فرزندان میرزا ابوالقاسم مجتهد به لحاظ سن و سال کمتر از آخوند ملاقربان‌علی بودند و از سوی دیگر جزو علمای رقیب به‌شمار می‌رفتند. ملاقربان‌علی نیز به لحاظ جایگاه علمی، آن‌ها را در حد و اندازه خودش تلقی نمی‌کرد؛ بنابراین با اطلاق لقب «بچه‌های میرزا» [بچه‌میرزا] درصدد تحقیر آنان بود.

و مأموران زیردست را با لقب‌های شایسته تکریم می‌کرد. این عطوفت و رأفت پسندیده بود؛ ولی راه سوءاستفاده و خیانت را می‌گشود. میرزا ابوالمکارم در نامه‌ای به پیشکارش «ملاعلی»، دو تن از رعایا بانام‌های مشهدی‌رضا و لطف‌علی را به خیانت متهم کرد. نایب‌ملاعلی نیز با سوءاستفاده از رفتار ارباب، راه خیانت پیش گرفت و به آزار روستائیان پرداخت (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، میرزا ابوطالب با اقامت در تهران، به روستاهای ملکی در منطقه خمسه نظارت مستقیم و نزدیکی نداشت و با مشکلات متعددی مواجه بود. «آفاکلب‌علی» پیشکارش نیز در روستاهای هلیل‌آباد و اغول‌بیک، اهتمام و دقت چندانی بر درآمدها نمی‌کرد؛ بنابراین در سال‌های پیش از مشروطه، عایدی‌ها سیر نزولی داشت. در این بین بخشی از سهم میرزا ابوطالب در روستاهای ملکی، به وسیله مأموران حکومت و به‌بهانه اقدامات دیوانی مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفت و او به ناچار از ناصرالدین‌شاه قاجار یاری می‌خواست (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲).

سیستم مالیات‌بندی را قائم‌مقام فراهانی براساس «بنه» بنا کرد و ترتیب‌دادن «بنجه» برای قشون و سربازگیری، با سیستم مالیاتی توأم بود. شالوده سازمان مالیه کشور با اصلاحات دوره امیرکبیر به روال جدیدی افتاد (یکتایی، ۱۳۵۲، ص ۱۴۸)؛ ولی پس از کشته‌شدن صدراعظم، روش مالیات‌گیری به روال سابق بازگشت و از این مسئله به فراخور عناصر و گروه‌ها، و با دوری و نزدیکی به دولت سوءاستفاده می‌شد (مجلسی، ۱۳۵۰، ص ۶۸). به‌گفته جمال‌زاده، میزان مالیات دریافتی در ایران به یک شکل نبود؛ بنابراین به‌سختی می‌توان اطلاعاتی مبنی بر منشأ و مبنای مالیات در ایران ارائه کرد (جمال‌زاده، ۱۳۶۲، ص ۱۲۴). مالیات‌های تحمیلی حکومت‌های وقت و درمقابل، مقاومت و کتمان روستائیان، از جمله مباحث مهم در روابط دولت و مردم بود. در زنجان تخفیف مالیاتی با نامه‌نگاری و توصیه حاکمان، برای اراضی متنفذانی نظیر میرزا ابوالمکارم پذیرفته می‌شد (ساکما، ۲۹۶۷۰۰۵۵۰۶، ص ۲)؛ ولی غالباً در زمان اعزام مأموران مالیه از مرکز، ملاحظه و تخفیف وجود نداشت و در ایام قحطی و خشک‌سالی، فشار زیادی بر روستائیان و زمین‌داران وارد می‌آمد. میرزا ابوالمکارم در سال‌های تنگدستی و عسرت مردم، با این چالش‌ها مواجه بود. او در این باره به پیشکارش می‌نویسد: «مستشار خراسان برای ممیزی قزوین و خمسه می‌آید. وارد قزوین شده [است] با هشت کالسکه و درشکه و دوازده یدک. نمی‌دانم چه خواهد شد. مهرآباد را مخفی نمی‌شود کرد. خداینده‌لو را در زیر زمین دفن نمی‌شود نمود؛ اما دو عذر موجه داریم، بلکه سه عذر. یکی آن‌که شاهسون نمی‌گذارد مهرآبادی مزارع آبی خود را زراعت نماید. دوم آب نداریم، غالباً دیمی است. سالی که باران نشد، چیزی نداریم. سیم این‌که سرباز و سوار داریم، مخارج آن‌ها به قدر یک مالیاتی



است. باری خیالاتی است که می‌کنیم، تا خدا چه مقدر فرماید» (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). قتل و غارت شاهسون‌ها که در سند بالا اشاره شد، از چالش‌های مهم زمین‌داران منطقه بود. «اینانلوها» طایفه‌ای از ایل شاهسون محال خرقان، در پهنه‌ای بین صائین قلعه آذربایجان و خمسه سکونت داشتند؛ ولی «افشارها» در اوایل عصر قاجار وارد منطقه خمسه شدند. فتح‌علی‌شاه نیز طایفه «دویرن» را از مغان به سمت دره‌های حاصل‌خیز قزل‌اوزن کوچاند (تاپر، ۱۳۸۴، صص ۱۵۶ و ۱۴). و آن‌ها در دره‌های علیای قزل‌اوزن از قافلان‌کوه تا انتهای ماه‌نشان و انگوران اسکان یافتند. بیلاق آن‌ها ارتفاعات شمالی دره‌های مذکور در همسایگی آذربایجان بود (فیلد، ۱۳۴۳، ص ۱۸۴). دویرن‌ها به‌لحاظ موقعیت جغرافیایی در همسایگی روستاهای خاندان میرزایی نظیر مهرآباد، ابراهیم‌آباد و باغلوچه بودند و غالباً در سال‌های قحطی و ضعف حکومت، با استفاده از وضعیت نامساعد راه‌ها و کمبود قراسوران‌ها، حمله می‌کردند. اگر یکی از کدخدایان شاهسون با حکومت محلی کدورتی پیدا می‌کرد، روستاها و مزارع اطراف غارت می‌شد (حبیل‌المتین کلکته، س ۱۲، ش ۱۳، ۱۹ رمضان ۱۳۲۲ق، ص ۶؛ اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). برخی از شاخه‌های ایل دویرن نیز که در نزدیکی روستاهای میرزاابوالمکارم بودند، از غارت‌ها مصون نبودند و غالباً محکمه میرزاابوالمکارم مکان رسیدگی به شکایت روستائیان و عشایر بود (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲).

وضعیت اقتصاد دوره قاجار که با مجموعه‌ای از نابه‌سامانی‌ها و بی‌توجهی‌های طبقه حاکم همراه بود، راه را برای مسائل مختلفی مانند رقابت و تلاش برای حذف رقبای فراهم می‌کرد. برخی مواقع رقابت‌های اقتصادی با هدف تصاحب زمین، به ستیز و دشمنی دامنه‌داری منجر می‌شد. رقابت‌های اقتصادی خوانین بزرگ خمسه جهان‌شاه‌خان امیرافشار و ذوالفقارخان اسعدالدوله نمونه‌ای از این موارد بود (عیسوی، ۱۳۶۲، صص ۸۵-۸۶؛ رستمی و بیات، بهار ۱۴۰۲، ص ۷۷). خرید و فروش زمین به‌همراه دلالی و سندسازی، در رقابت‌های اقتصادی وجود داشت. در نامه‌ای از میرزاابوطالب به میرزاابوالمکارم، ناکامی در معامله‌ای سودآور وجود دارد. او با انتقاد از بدعهدی و کم‌توجهی در خرید زمینی مرغوب، به انتقاد از رویه نظام‌السلطنه می‌پردازد. به‌گفته میرزاابوطالب، مباشرانی نظیر ملاسبزعلی و عبدالوهاب، با هدف تصاحب اراضی خان‌چایی در ابتدای طارم علیا، معامله سودآورش را بر هم زده‌اند و فروشنده را به تغییر قیمت و افزایش نرخ خارج از عرف مجاب کرده‌اند (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). این مسئله در زمان حاکمان نادرستی مانند سالارالدوله، بیش‌ازپیش به موقعیت و اقتدار جایگاه خاندان میرزایی در زنجان لطمه زد. علاوه بر زیان فرزندان میرزاابوالقاسم در امر خرید و فروش زمین، افزایش محصول در

سال‌های بارش، غالباً بر کاهش قیمت محصولات و کسری درآمدها تأثیر می‌گذاشت و محصول به دلیل حضور رقبای متعدد، بر روی زمین باقی می‌ماند (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). برادران میرزایی با این موانع و چالش‌های اقتصادی و اجتماعی و همراه با مرگ برادرشان میرزاابوالعبدالله وارد سال‌های مشروطیت شدند.

۴. عصر مشروطه، حضور فرزندان میرزاابوالقاسم موسوی^۱ در میدان سیاست و مذهب

با آغاز جنبش مشروطیت، فرزندان میرزاابوالقاسم در میانه حوادث قرار گرفتند. میرزاابوالمکارم و برادرزاده‌اش میرزامهدی - که در حوزه علمیه نجف به تحصیل مشغول بود - به ترتیب به عنوان رئیس و عضو انجمن ولایتی تعیین شدند (میرزایی، مصاحبه، ۱۳۹۹؛ بهزادی، ۱۳۸۹، ص ۳۲۴). قرار گرفتن خاندان میرزایی و برخی از گروه‌های شهری در رأس مهم‌ترین نهاد مشروطیت در زنجان و انتخاب شیخ‌ابراهیم زنجانی به عنوان اولین نماینده خمسه در مجلس شورای ملی، واکنش گروه‌های رقیب را برانگیخت (روزنامه انجمن تبریز، س ۱، ش ۱۴۳، ۲۲ شعبان ۱۳۲۵ق، ص ۳؛ زنجانی، ۱۳۹۳، صص ۲۲۹-۲۳۰؛ رستمی، ۱۴۰۲، صص ۱۵۳-۱۵۴). براساس منابع و اسناد، مجموعه‌ای از حوادث تا به توپ‌بستن مجلس، زنجان را به یکی از کانون‌های بحران تبدیل کرد و میرزاابوالمکارم را به میانه حوادث کشاند. مخالفان مشروطه و گروه‌های نوظهور روستایی با مشاهده پیش‌گامی میرزاابوالمکارم، به دفتر انجمن ولایتی و بازار زنجان حمله کردند و اندکی بعد پس از غارت دارالحکومه، سعدالسلطنه حاکم زنجان کشته شد. میرزاابوالمکارم با مصلحت‌اندیشی و رعایت منافع خاندانی، اقدامی قاطع درمقابل طرفداران ملاقران‌علی و مهاجمان انجام نداد و به خانه‌نشینی و نامه‌های اعتراضی بسنده کرد (قدیمی قیداری و رستمی، ۱۴۰۱، صص ۱۱۷-۱۱۸).

با بسته شدن مجلس شورای ملی و اعدام، تبعید و فرار مشروطه‌خواهان، میرزاابوالمکارم برخلاف مقاومت مجاهدان تبریز و گیلان، با خانه‌نشینی بر تکاپوی مشروطه‌طلبان زنجان تأثیر گذاشت. او در روزهای حمله به تهران و درحالی که عظیم‌زاده به عنوان نماینده سپهدار تنکابنی در زنجان برای پشتیبانی و تقویت مشروطه‌خواهان تلاش می‌کرد - درمقابل درخواست حمایت از مجاهدین، سیاست انزوا و خانه‌نشینی برگزید و در روزهای حساس نبرد محمدعلی شاه با مشروطه‌خواهان، به انتظار پیروزی مشروطه‌خواهان ماند تا از ضررهای احتمالی جلوگیری کند (قدیمی قیداری و رستمی، ۱۴۰۱، صص ۱۱۹-۱۲۰).

سیاست‌های خاندانی و همراهی میرزاابوالمکارم با جبهه مشروطیت، تبعات درازمدتی

۱. به دلیل اعتبار و جایگاه میرزاابوالقاسم موسوی، فرزندان و نوادگان او به دلیل شهرت جدشان به لقب میرزا، بانام «میرزایی» شناخته می‌شدند. آنان خودشان را غالباً با شهرت موسوی زنجانی و موسوی میرزایی معرفی می‌کردند.



داشت. برای نمونه با حمله قوای مشروطه به زنجان و مجازات مخالفان که با تبعید ملاقربان‌علی به عتبات همراه بود، به دلیل محبوبیت این روحانی برجسته در بین مردم زنجان، میرزاابوالمکارم در رأس اتهام‌ها قرار گرفت و تا دهه‌های بعد کدورت و ناراحتی بر جای ماند (روحانی، ۱۳۴۷، ص ۵۶؛ قائمی، مصاحبه، ۱۴۰۲؛ آیت‌الله حسینی زنجان، مصاحبه، ۱۴۰۲). این شهرت و محبوبیت ملاقربان‌علی و همگرایی‌اش با شیخ‌فضل‌الله نوری، در دهه‌های بعد موجب احیای مراسم هیئات مذهبی در خانه‌اش شد؛ ولی مجموع خانه‌های میرزایی‌ها با بی‌مبالاتی بازماندگان و بی‌اعتنایی مردم و دولت از بین رفت.

میرزاابوطالب با اقامت همیشگی در تهران، به تدریج در میان دربار و سفارت‌خانه‌های کشورهای مهم طرف مشورت و صاحب‌نظر شد. به گزارش کارگزار انگلستان، او در سال‌های پیش از مشروطه از مهم‌ترین علمای تهران به‌شمار می‌رفت (خسروشاهی، ۱۳۹۵، ص ۳۵۶؛ رئیس طوسی، ۱۴۰۱، ص ۴۱۸). با آغاز جنبش مشروطه، میرزاابوطالب به چگونگی مجلس، جایگاه نمایندگان و نوع حکومت مشروطه انتقاداتی داشت که نظراتش را برای پیشگیری از هرگونه سوءنیت و سوءبرداشت منتشر کرد (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۰؛ *حبل‌المتین کلکته*، س ۱۴، ش ۲۳، ۶ ذی‌حجه ۱۳۳۴ ق، ص ۱۵). او در ادامه با توجه به حوادث جاری عصر مشروطه، رقابت و دشمنی مجلس با دربار و بی‌اعتنایی به خواسته‌هایش، به جبهه حامیان شاه پیوست (تفرشی حسینی، ۱۳۵۱، ص ۶۱؛ احتشام‌السلطنه، ۱۳۹۲، صص ۱۵۸-۱۵۹). مهم‌ترین اقدام سیاسی میرزاابوطالب، حضور در میدان توپ‌خانه و همکاری برای به‌توپ‌بستن مجلس بود (کسروی، ۱۳۸۳، صص ۵۱۱-۵۱۴).

با آغاز استبداد صغیر و بدعهدی شاه در تأسیس «مجلس کبرای دولتی»، میرزاابوطالب در چرخشی سیاسی، به جبهه مشروطه‌خواهان پیوست و در تجمع‌های حرم عبدالعظیم شرکت کرد (ملک‌زاده، ۱۳۸۷، جلد ۴ و ۵، ص ۹۸۱؛ کتاب *نارنجی*، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۲). مواضع انتقادی میرزاابوطالب در دوره استبداد صغیر، موجب مصونیتش از مجازات در زمان فتح تهران شد. او در ادامه با مشاهده بی‌اعتنایی رهبران مشروطه برای مشارکت‌دادنش در مسائل سیاسی - که به خانه‌نشینی‌اش منتهی شد - و رقابت‌های احزاب در مجلس دوم با شعارهایی نظیر جدایی دین از سیاست - که با بینش و خواسته‌اش در قالب گفتمان اتحاد اسلامی مغایر بود - به جبهه طرفداران محمدعلی شاه بازگشت و در نتیجه مورد انتقاد و تهدید قرار گرفت. در ادامه، میرزاابوطالب با افزایش فعالیت‌های ضد مشروطه‌اش، شبانه در کتاب‌خانه شخصی‌اش به مرگی مشکوک درگذشت (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۰۰۰؛ اسناد خاندان میرزایی، ۱۴۰۰).

به نظر می‌رسد که غرور، ماجراجویی و زیاده‌خواهی، میرزاابوطالب را از بین برد (احتشام‌السلطنه، ۱۳۹۲، ص ۱۵۸؛ اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). او برخلاف برادر

بزرگش، با هدف کسب مقام، شهرت و مرجعیت دینی و سیاسی، به جریانی وارد شد که به انزوا و مرگ مشکوکش انجامید. میرزا ابوطالب فرزند پسر زنده‌ای نیز نداشت تا ادامه‌دهنده راهش باشد؛ بنابراین دست خاندان میرزایی برای همیشه از رسیدن به عالی‌ترین مراتب قدرت و موقعیت سیاسی و مذهبی کوتاه شد.

۵. موانع و چالش‌های نوادگان میرزا ابوالقاسم مجتهد در سال‌های پس از مشروطیت

یک سال بعد از درگذشت میرزا ابوطالب، برادر بزرگ‌ترش میرزا ابوالمکارم هم در سال ۱۳۳۰ ق به دلیل بیماری از دنیا رفت. با مرگ میرزا ابوالقاسم پسران میرزا ابوالقاسم مجتهد به کلی از میان رفتند (موسوی میرزایی، ۱۳۲۶ الف، ص ۱۳۳). مرگ میرزا ابوالمکارم، انحطاط جایگاه مذهبی و سیاسی خاندان میرزایی را شدت بخشید؛ چون از میان نوادگان میرزا ابوالقاسم، هیچ‌کدام اعتبار و نفوذ پدرانشان را نیافتند.

میرزا ابوالمکارم پنج فرزند پسر داشت که ابراهیم، احمد، ابوالقاسم، کاظم و اسماعیل نام داشتند (موسوی میرزایی، ۱۳۲۶ الف، صص ۱۳۳-۱۳۴؛ اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). ابراهیم فرزند بزرگ، علاوه بر اداره محکمه پدر، به عملکرد مباشران هم رسیدگی می‌کرد. سایر فرزندان در سنین نوجوانی بودند و به تحصیل علوم مقدماتی می‌پرداختند. با راهی شدن میرزا ابراهیم به عتبات، ابوالقاسم به امور مالی خانواده رسیدگی می‌کرد؛ ولی به دلایلی مانند ادامه تحصیل، امر نظارت را ناتمام گذاشت و به عتبات راهی شد. در این بین ابراهیم در سال ۱۳۴۲ ق بر اثر بیماری درگذشت و وضعیت معیشت بازماندگان به مخاطره افتاد (موسوی میرزایی، ۱۳۲۶ الف، ص ۱۳۳؛ اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲؛ اسناد خاندان حسینی زنجانی، ۱۴۰۲).

میرزا ابوطالب فرزند پسری بانام علی داشت که در کودکی از دنیا رفت؛ بنابراین او نسلی از خود برجای نگذاشت. با درگذشت میرزا ابوعبدالله کوچک‌ترین فرزند میرزا ابوالقاسم، دو فرزندش بانام‌های مهدی و علی در سنین نوجوانی بودند. علی پس از طی دروس مقدماتی، به عتبات روانه شد و پس از مراجعت به زنجان، گوشه انزوا برگزید و در امور مداخله‌ای نکرد (میرزایی، مصاحبه، ۱۳۹۹؛ اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). در این بین میرزامهدی^۱ ریاست خاندان را برعهده گرفت (اسناد خاندان میرزایی، ۱۴۰۰؛ میرزایی، بی تا، ص ۳؛ اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲).

پس از عزیمت ابوالقاسم فرزند میرزا ابوالمکارم برای ادامه تحصیل به عتبات، اختلاف‌های مالی او با میرزامهدی آغاز شد. برادرش احمد در نامه‌ای، با تأکید بر پرهیز از هرگونه عداوت و دشمنی، به مدارا و حل اختلاف توصیه کرد؛ ولی ابوالقاسم چند

۱. میرزامهدی متولد سال ۱۲۹۶ ق، با عموزاده‌اش میرزا ابراهیم هم‌سن بود. این دو بزرگ‌ترین نوادگان پسری میرزا ابوالقاسم مجتهد بودند (اسناد خاندان میرزایی، ۱۴۰۰؛ اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲).



سال بعد دوباره در مقام مدعی برآمد (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). بنابر اسناد و گفته معمرین، در دوره پهلوی فرزندان میرزاهدی تولید مساجد را برعهده داشته‌اند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد منازعه ابوالقاسم و میرزاهدی بر سر تولید رقباتی نظیر مساجد خاندانی، به نفع میرزاهدی تمام شده باشد (گل‌پسند، مصاحبه، ۱۴۰۲؛ قائمی، مصاحبه، ۱۴۰۲). ابوالقاسم در میانه دوره رضاشاه و اندکی بعد از اختلاف مالی با عموزاده، به گیلان مهاجرت کرد و با استخدام در بخش دوایر دولتی، دستش از عایدات تولید کوتاه شد (موسوی میرزایی، ۱۳۲۶ الف، ص ۱۳۴؛ اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲).

هرچند جنبش مشروطیت قوانینی در راستای تعدیل ظلم بر گروه‌های فرودست وضع کرد، ولی مناسبات موجود چندان تغییری نکرد و طبقه بالا به سوءاستفاده و تعدی خود ادامه داد (یزدانی، ۱۴۰۱، صص ۲۵۱-۲۵۳؛ انوشیروانی، ۱۳۶۱، صص ۲۰۶-۲۰۷). در این راستا، ظلم و ستم نایبان خاندان میرزایی در سال‌های پس از مشروطیت نیز ادامه داشت. آنان با وجود دگرگونی ساختار سیاسی و تحدید قدرت هیئت حاکمه، از روستائیان بهره‌کشی می‌کردند. چالش‌ها در مواقع دوری ارباب بیشتر هم می‌شد. خاندان میرزایی با داشتن زمین‌های وسیع، نایبان متعددی داشتند که نظارت بر آن‌ها دشوار بود. یکی از روستائیان در نامه‌ای به میرزاهدی می‌نویسد: «از روزی که به عتبات تشریف بردید، نایب و آدم‌های آقا ما را اذیت می‌کنند و بهره مرا نمی‌گذارند، ببرم» (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). نایبان در زمان حضور ارباب نیز به آزارها ادامه می‌دادند. در نامه‌ای از روستائیان می‌خوانیم: «اگر از اعمال کرد^۱ مباشران جویا باشید، از آن وقت [که] به قریه وارد شدند، مشغول عیش و نوش‌اند. با آن اشخاص‌ها در اوطاق^۲ نزد بخاری نشسته، دماغ می‌کشند^۳ و تابه‌حال به این جانثار^۴ توجهی نشده‌است». باید افزود هنگامی که ارباب حضور داشت، غالباً نایب و رعیت یکدیگر را متهم می‌کردند (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). مشکلات همجواری با ایل شاهسون، در سال‌های پس از مشروطه نیز ادامه داشت. آن‌ها به روستاها حمله می‌کردند و محصولات را می‌بردند و مأموران حکومتی نیز غالباً به دلیل فرار شاهسون‌ها به کوه‌ها و دشت‌ها، توانایی نداشتند آن‌ها را تعقیب کنند. برخی از شاهسون‌ها، روستائیان را به مقاومت و سرپیچی در پرداخت بهره‌های مالکانه تشویق می‌کردند و در نتیجه، روستائیان و پیشکاران نیز با عدم تمکین، زوال و انحطاط بنیان‌های اقتصادی میرزایی‌ها را تسریع می‌کردند (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲).

۱. عملکرد صحیح است.

۲. اطاق صحیح است.

۳. به دلیل سرمای بیرون، پای بخاری نشسته

بودند و آب دماغ خود را بالا می‌کشیدند.

۴. جان‌نثار صحیح است.

حمله عشایر، راهزنان و باجگیران به روستاها که با ضعف حکومت و قراسوران‌ها همراه بود، تأثیری مستقیم بر میزان عایدات خاندان میرزایی داشت. جو، یونجه، گندم، الاغ، مرغ، سینه‌بند، جاجیم، زین اسب و جوراب از موارد غارتی بود. مأموران حکومت



و خوانین محلی نظیر امیراصلان بیک و نایب عبدالحسین نیز با ورود به روستاها و اقامت چندروزه، علوفه و گوسفندان را به یغما می بردند. نتیجه غارت‌ها، غالباً چماق‌کشی و قمه‌کشی در املاک میرزایی‌ها بود. گزارش‌های روستائیان نیز به دلیل مسافت طولانی با زنجان، با نامه‌نگاری و اعتراض خاندان میرزایی به دارالحکومه و دولت فیصله می‌یافت و در نتیجه اقدام مؤثری انجام نمی‌شد (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲).

موضوع مالیات و مقاومت رعیت در برابر مأموران اداره مالیه در سال‌های پس از مشروطه، ناکارآمدی نهادهای نوین‌یاد و فهم اندک مأموران و برخی از کارگزاران از ماهیت و اهداف جنبش را نشان داد (مذاکرات مجلس سوم شورای ملی، ۳ شوال ۱۳۳۳ق، جلسه ۶۱). این مقاومت‌ها غالباً با واکنش مأموران و غارت اهالی همراه بود. در گزارشی، پیشکاران به میرزایی‌ها نوشته‌اند: «از تفصیل فوق، مأمورین تفریط کرده، مأمورین به شهر فرستاده‌اند.^۱ دو رأس بره نیز سرش بریده‌اند و خورده‌اند و یک رأس بزغاله را هم سرش بریده‌اند». در این مواقع کم‌توجهی خاندان میرزایی، در دورنج اهالی بی‌پناه را بالا می‌برد و ابراز نارضایتی با نیش و کنایه پایان می‌یافت (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲).

۶. میرزامهدی موسوی در سال‌های زوال و انحطاط خاندان میرزایی

میرزامهدی به دلیل جایگاه بالای علمی و با اقامه نماز میت بر میرزا ابوالمکارم و وصایت عمومی دیگر میرزا ابوطالب، به‌عنوان رئیس خاندان و مرجع دینی شناخته شد (موسوی میرزایی، ۱۳۲۶ الف، ص ۱۳۳؛ میرزایی، مصاحبه، ۱۳۹۹؛ اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان، ۱۴۰۲). او در اغلب رخدادهای زنجان طرف مشورت قرار داشت. نامه به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در زمینه مقاله انتقادی نشریه بی‌طرف درباره اقدامات حکومت خمسه و رقابت بر سر تولیت موقوفات مسجد جامع شهر، نمونه‌هایی از حضور میرزامهدی در مسائل جاری بود (بیات و کوهستانی‌نژاد، ۱۳۷۲، ج ۱، صص ۳۱۹-۳۲۱؛ ساکما، ۱۳۷۸/۰۲۵۰/۱، ص ۱۰). در سال‌های پس از مشروطه، منزل میرزامهدی یکی از مهم‌ترین مکان‌های عرض تظلم و رسیدگی به مشکلات بود و نشانی پاکت نامه‌های مربوط به اعضای خاندان در کوچه میرزایی، بانام او نوشته می‌شد (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). در اواخر دوره قاجار، خانه میرزامهدی به‌مانند اجدادش، مکان بست‌نشینی متهمان بود و مأموران جرئت نداشتند بست‌نشینی را بشکنند. این حریم را به‌نظر می‌رسد، یک‌بار احمد کسروی رئیس عدلیه زنجان (۱۳۰۰-۱۳۰۱ ش) شکست و مجرمی را به زندان روانه کرد (کسروی، ۱۳۲۳، ص ۳۷). میرزامهدی در جریان تعیین سلطنت رضاشاه، به‌همراه شش نفر دیگر از متنفذان منطقه حضور داشت؛ ولی اندکی بعد در مراسم تاج‌گذاری

۱. منظور این‌که، در اخذ مالیات بر مردم سخت گرفتند و پس از جمع‌آوری به زنجان فرستادند.



دعوت نشد و جهان‌شاه‌خان امیرافشار و سیدمحمد مجتهد به‌عنوان بزرگان زنجان حاضر شدند. این موضوع و بیرون‌کشیدن متهم با اعمال‌نفوذ احمد کسروی، از زوال تدریجی میرزایی‌ها نشان داشت؛ خاندانی که غالباً به‌عنوان اولین و مهم‌ترین نمایندگان منطقه، طرف شور و دعوت دربار قاجار بودند و حاکمان و مأموران جرئت نداشتند بستی را از خانه آن‌ها بیرون بکشند (امیرطهماسبی، ۱۳۰۵، صص ۶۷ و ۶۹؛ اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان، ۱۴۰۱).

میزان املاک شهری میرزامهدی از سایر متنفدان زنجانی بیشتر بود و شامل مغازه‌ها، زمین‌ها و خانه‌ها می‌شد. آگهی ثبت اراضی، تعیین حدود و موقعیت افراد و گروه‌های مختلف و تعیین تکلیف اراضی و واگذاری به دولت از سال ۱۳۱۱ش به‌بعد، گواهی بر میزان ثروت میرزامهدی است (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲، پروین خمسه، س ۳، ش ۲۸۱، ۱۰ دی‌ماه ۱۳۱۲ش، ص ۵). باوجوداین، میرزامهدی علاوه بر ستیزه‌های مالی با عموزادگانش، با برادرش میرزاعلی نیز اختلاف داشت (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲، گل‌پسند، مصاحبه، ۱۴۰۲). این ملاحظات اقتصادی و تلاش برای اندوخته بیشتر، با مشارکت اندک در یاری به گروه‌های تهی‌دست و نداشتن همکاری و پشتیبانی لازم در جمع‌آوری اعانه برای ادامه فعالیت مراکز توانبخشی و درمانگاه‌ها نمود داشت؛ موضوعی که بسیاری از توانگران زنجانی در آن پیش‌گام بودند (پروین خمسه، س ۲، ش ۱۶۰، ۱۸ مرداد ۱۳۱۱ش، ص ۳).

با مرگ میرزامهدی -مهم‌ترین بازمانده و نواده میرزاابوالقاسم مجتهد- در سال ۱۳۱۹ش، زوال و انحطاط این خاندان روندی شتابان گرفت (زنجانی، ۱۳۸۰، صص ۱۶۲-۱۶۳؛ موسوی زنجانی، ۱۳۵۲، ص ۴۰۷؛ اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲).

۷. دوره پهلوی، پایان حضور خاندان میرزایی در عرصه سیاست، جامعه و اقتصاد زنجان

با درگذشت میرزامهدی، فرزندانش محمد، حسین و ابوطالب به تحصیل علوم دینی پرداختند. محمد فرزند بزرگ، تولیت مساجد اجدادی را برعهده گرفت و در امور سیاسی و اجتماعی دخالتی نکرد (میرزایی، مصاحبه، ۱۳۹۹؛ میرزایی، بی‌تا، ص ۴). ابوطالب فرزند کوچک نیز در زمان تحصیل در نجف، با بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بر سر مسائل سیاسی اختلاف پیدا کرد و سال ۱۳۵۵ش، به تبعید همیشگی و خودخواسته در انگلستان رهسپار شد (گل‌پسند، مصاحبه، ۱۴۰۲؛ میرزایی، بی‌تا، ص ۴). حسین هم درس و دوست صمیمی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بود. او نیز غالباً در امور سیاسی و اجتماعی دخالتی نداشت.



مهم‌ترین حضور حسین در عرصه سیاست، مشارکت در صدور بیانیه و اعلامیه علیه فرقه دموکرات (آئین اسلام، ش ۱۴۳، ادی ماه ۱۳۲۵ ش، ص ۴؛ مرد امروز، ش ۸۴، ۹ آذر ۱۳۲۵ ش، ص ۳) و عضویت در جامعه روحانیت زنجان در ماه‌های پیروزی انقلاب اسلامی بود. فرزندان نیز با مهاجرت تدریجی، به تحصیلات غیرحوزوی پرداختند (اسناد خاندان حسینی زنجانی، ۱۴۰۲؛ بیات، ۱۳۸۶، ص ۶۷؛ روحانی، ۱۳۴۷، ص ۲۲؛ گل‌پسند، مصاحبه، ۱۴۰۲، میرزایی، بی تا، ص ۵).

از میان فرزندان میرزا ابوالمکارم، با درگذشت ابراهیم، احمد به تهران رفت و به شغل دیوانی پرداخت و در سال ۱۳۱۷ ش، کارمند اداره آمار و ثبت احوال شد. ابوالقاسم نیز بعد از مهاجرت، در ادارات دولتی کارمند بود. کاظم در زنجان غالباً خانه‌نشین بود و با اندک درآمد املاک پدری از روستاها زندگی را می‌گذراند. از میان نوادگان، جمال‌الدین پسر ابراهیم پس از درآوردن رخت طلبگی، به همراه اسماعیل عموی کوچک خود به تحصیل علوم غیردینی پرداخت. کمال‌الدین فرزند ابراهیم نیز به عنوان کارمند اداره ثبت در تبریز و اردبیل به کار مشغول شد (موسوی میرزایی، ۱۳۲۶ الف، صص ۱۳۳-۱۳۴؛ اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). از میان نوادگان در تهران، محمود فرزند کاظم به همراه جعفر فرزند حسین -نوه میرزا مهدی- به تحصیل مشغول بودند. او بعدها یکی از وکلای دادگستری شد (بحرینی، مصاحبه، ۱۴۰۲؛ اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). ابوالفضایل فرزند ابوالقاسم نیز در مدرسه مبارکه اتحادیه و مسجد جامع زنجان تحصیل می‌کرد؛ ولی در نوجوانی درگذشت. نوگرایی‌های عصر رضاشاه، در آموزش زنان خاندان میرزایی نیز تأثیر گذاشت و در این راستا دختران کاظم و ابوالقاسم در مدارس نسوان، قدسیه و مسعوده به یادگیری علوم جدید پرداختند (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲).

نوسازی‌های عصر رضاشاه با تشکیل سازمان‌های اداری جدید، پوشش اجباری، اصلاحات داور در وزارت عدلیه، برچیدن محاکم شرع و نظارت دقیق بر اوقاف، نوادگان میرزا ابوالقاسم را خواسته یا ناخواسته به کسب علوم جدید هدایت کرد. وضعیت نابه‌سامان شهر کوچک زنجان در مهاجرت‌ها بی‌تأثیر نبود. جمال‌الدین به اجبار لباس روحانیت را در مدرسه دارالفنون درآورد (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). اسمعیل درباره وضعیت زنجان نوشت: «من و عیال خیال بازگشت نداریم و در طهران مشغول تحصیل هستیم... در زنجان مدرسه خوبی نیست و اگر هم باشد، تصدیق منحصر به مرکز است. به هر شکل که باشد، توقف بنده در طهران به مصلحت است» (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). با تغییر پیشه و لباس، انتخاب شهرت جدید دور از انتظار نبود. این موضوع خشم برخی از بازماندگان را برانگیخت. در میان فرزندان و نوادگان، اسمعیل، احمد و کمال‌الدین شهرت «عزّی» مخفف



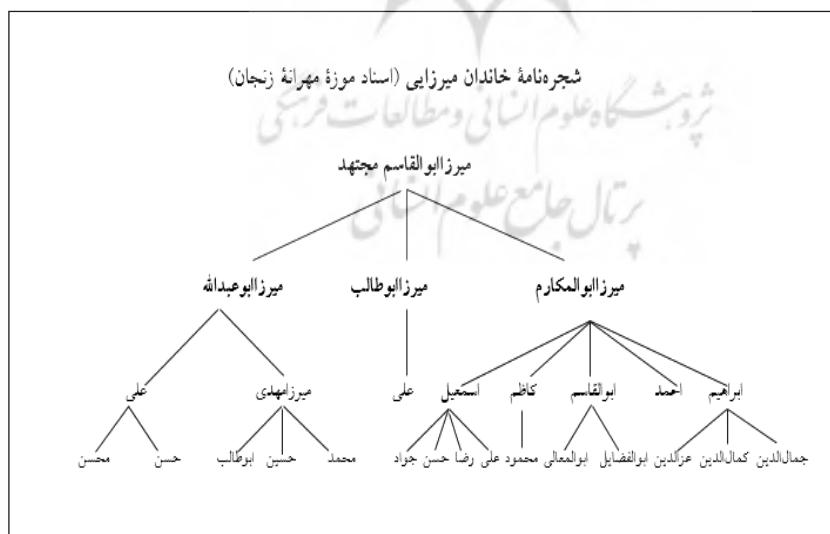
«عزالدین» را برگزیدند. حسین در زنجان بانام «آقاجفی» شناخته شد (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). ابوطالب فرزند میرزامهدی نیز در رشت بانام «زنجان» خطاب شد. او با رهاکردن املاک و اراضی اجدادی، به زنجان بازنگشت. تغییر پیشه، شهرت و مهاجرت، برای میرزایی‌ها نتیجه‌ای ناخوشایند داشت؛ چنان‌که زنجان‌ها این موضوع را به قطع علاقه و پشت کردن به نیاکان تعبیر کردند (اسناد خاندان میرزایی، ۱۴۰۰؛ گل‌پسند، مصاحبه، ۱۴۰۲). وفات زودهنگام فرزندان و نوادگان، در زوال و انحطاط میرزایی‌ها تأثیر داشت. علاوه بر درگذشت فرزندان میرزاابوالقاسم در سنین ۵۰ تا ۷۰ سالگی، جوان‌مرگی ابراهیم و وفات زودهنگام میرزامهدی، قطع علاقه میرزایی‌ها را تسریع کرد. در این میان فوت ناگهانی ابوالفضایل پسر ابوالقاسم، تأثیری مهم بر حالات پدر گذاشت و او را به دنیایی علاقه کرد (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). چندی بعد محمد فرزند بزرگ میرزامهدی در سال ۱۳۲۹ش (در میان‌سال) درگذشت (اسناد خاندان میرزایی، ۱۴۰۰). اختلاف میان اعضای خاندان، کدورت‌ها و جدایی‌ها را تشدید کرد. رویگردانی‌ها غالباً از اختلاف بر سر اموال اجدادی نظیر مساجد، اراضی شهری و روستایی، دکاکین، حمام‌ها، کاروان‌سراها و خانه‌ها نشئت می‌گرفت. ستیزه‌ها غالباً با میانه‌روی کاظم و احمد همراه بود؛ ولی سایر نوادگان میرزاابوالقاسم در مقابل یکدیگر صفا آرای می‌کردند. اسماعیل با مشکلات مداوم مالی، از ابوالقاسم نازاحت بود. ابوالقاسم با عموزاده‌اش میرزامهدی اختلاف داشت و میرزامهدی نیز با برادرش علی به مصالحه حاضر نبود (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲؛ گل‌پسند، مصاحبه، ۱۴۰۲).

باتوجه به مهاجرت نوادگان، نظارت مستقیمی بر زمین‌ها و روستاهای اجدادی انجام نمی‌شد و به دلیل دوری، سفارش‌ها با نامه‌نگاری انجام می‌شد؛ بنابراین سوءاستفاده فرودستان و کاهش درآمدها دور از انتظار نبود (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). در این میان اشتغال به تحصیل، پرداختن به مشاغل دیگر را دشوار می‌کرد؛ بنابراین وضعیت مالی نوادگان مساعد نبود. اسماعیل و کمال‌الدین با زن و فرزند در مضیقه بودند. اسماعیل در نامه‌ای ضمن تأکید بر فروش کتاب‌خانه، نوشت: «خدا شاهد است پاکت و کاغذ ندارم. اغلب از طلبکاران دعاگو هستم... نه زغال دارم، نه هیزم دارم، هوا سرد است، مختصر هیچ ندارم» (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲).

باتوجه به اوضاع بحرانی کشور در نیمه نخست دهه بیست، وضعیت کشت محصولات و درآمد کشاورزان نامساعد بود؛ در نتیجه روستائیان از پرداخت بهره به میرزایی‌ها ناتوان بودند (عظیمی، ۱۳۷۴، ص ۶۳؛ مکی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۶۹؛ اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). کاظم علاوه بر این مشکلات، محکمه شرع زمان پدر را نداشت و با ادامه تحصیلات حوزوی و داشتن زن و فرزند، به سختی زندگی می‌کرد. در اسناد کاظم،

فیش‌های پرداختی دواخانه محمود عطائی واقع در بازار قیصریه زنجان وجود دارد که نسخه‌ها به‌عنوان قرض و نسبه صادر شده‌است. کاظم برخی اوقات بدهکار بود و چندین بار اختاریه پرداخت آبونمان روزنامه اطلاعات، شهریه فرزندان در مدرسه توفیق و برگه احضاریه از عدلیه را دریافت کرد. در یکی از احضاریه‌ها، به ۸۳۳/۸۵ ریال تأخیر و ۲۰۰ ریال جریمه محکوم شده بود (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). گشاده‌دستی و کمک به نیازمندان، ویژگی برجسته خاندان میرزایی بود؛ ولی این خصیصه در سال‌های عسرت و افزایش فشار مالی با سختی همراه بود. خوانین مظفری در سال‌های پس از مشروطه چندین بار از مساعدت میرزایی‌ها بهره‌مند شدند؛ ولی ادامه این روند غیرممکن به‌نظر می‌رسید (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲).

وجود محاکم شرع، تحصیل و تدریس در حوزه‌ها و ارتباط با گروه‌های شهری و روستایی، سلوک نامناسب را بر نمی‌تابید. برخی از میرزایی‌ها، اهل مدارا و سازش نبودند؛ بنابراین خسارت‌های جبران‌ناپذیری را متحمل شدند. علاوه بر رفتار میرزاابوطالب که با مرگ مشکوک درگذشت (موسوی میرزایی، ۱۳۲۶ ب، ص ۴۴؛ عزیزالسلطان، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۰۰)، غرور و خودپسندی برخی از نوادگان میرزاابوالقاسم، در مواجهه با مردم و اعضای خاندان و دوستان وجود داشت. حاضر جوابی و پرشوری ابوطالب فرزند میرزامهدی در بین علما شهره بود؛ ولی رفتار نادرست و دور از انتظار دوره طلبگی او با بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، به تبعید خودخواسته و بی‌بازگشت به انگلستان انجامید (شیرازی زنجان، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۳۶۸؛ گل‌پسند، مصاحبه، ۱۴۰۲).



شکل ۱

شجره‌نامه خانواده میرزایی



۸. نتیجه‌گیری

سادات میرزایی از اوایل عصر صفوی، با مهاجرت از عراق وارد زنجان شدند و به تدریج در حوزه‌های دین و سیاست مورد توجه قرار گرفتند. در عصر قاجار و اوایل دوره پهلوی، این خاندان به دلیل شهرت و جایگاه میرزا ابوالقاسم مجتهد، بانام «میرزایی» شناخته می‌شدند. میرزا ابوالقاسم به دلیل اهمیت و جایگاه علما در اواسط دوره قاجار، با مرتبه علمی و مذهبی بالا، غالباً مورد توجه و طرف مشورت ناصرالدین شاه قاجار و درباریان بود و تا پایان عمر نیز به عنوان مهم‌ترین شخصیت مذهبی منطقه خمسه، به سامان بخشی امور مردم می‌پرداخت.

با مرگ میرزا ابوالقاسم، زوال و انحطاط خاندان میرزایی آغاز شد. از بین سه فرزند، ابوطالب با مهاجرت به تهران، از برادران جدا شد و چند سال بعد، ابو عبدالله در میان سالی درگذشت. ابوالمکارم تنها فرزند باقی مانده در زنجان - که محکمه و مسجد پدر و ریاست خاندان را بر عهده داشت - با وجود داشتن خصایل اخلاقی نیک و میانه روی، جایگاه و اعتبار پدر را به دست نیاورد. مضافاً این که علمایی نظیر ملا قربان علی با شهرت تدریجی، به عنوان رقیبی مهم شناخته شدند و گروه‌های شهری و روستایی به جرگه طرفداران ملا قربان علی پیوستند.

جنبش مشروطه به ضرر خاندان میرزایی تمام شد؛ زیرا میرزا ابوطالب در تهران و میرزا ابوالمکارم در زنجان، با کنش‌ها و رویه متضاد، انحطاط خاندان را تسریع کردند. ابوطالب از رهبران ضد مشروطه، در سودای شهرت و مقام و با هم‌سوئی با آرمان اتحاد اسلامی سید جمال‌الدین اسدآبادی، با مرگ مشکوک درگذشت و میرزا ابوالمکارم با مخالفت با جریان ضد مشروطه، در مقابل ملا قربان علی به عنوان محبوب‌ترین و تأثیرگذارترین روحانی زنجان قرار گرفت. تبعید ملا قربان علی به ضرر خاندان میرزایی تمام شد؛ زیرا زنجانی‌ها میرزا ابوالمکارم را به عنوان مهم‌ترین رقیب و مخالف ملا قربان علی، متهم اصلی این جریان شناختند.

با مرگ فرزندان میرزا ابوالقاسم و شهرت تدریجی میرزا مهدی نواده‌اش، ریاست و محکمه اجدادی به این بزرگ‌ترین نواده رسید؛ ولی زوال این خاندان به دلیل رقابت‌های اقتصادی با ماندگان بر سر میراث اجدادی ادامه داشت. با عنایت به سنین پایین نوادگان و نوسازی‌های اوایل عصر رضاشاه، میرزایی‌ها با رها کردن پیشه اجدادی، به سمت فراگیری علوم جدید رفتند. تحصیل در شهرهای مهم و استخدام در سازمان‌های دولتی، موجب قطع علاقه نوادگان و مهاجرت از زنجان شد. این موضوع با بی‌توجهی به نظارت مستقیم بر روستاهای اجدادی، کاهش درآمدها را در پی داشت و بر بنیان‌های اقتصادی خاندان تأثیر گذاشت. از سوی دیگر، وضع مالیات در کنار قحطی و بحران‌های پس از مشروطه، با عدم تمکین رعیت وابسته به زمین و تهاجم سواران عشایر به روستاها و تحریک کردن روستاییان به طغیان در برابر زمین‌داران، موجب بی‌میلی نوادگان خاندان میرزایی به نگهداری از اراضی

خاندانی شد. با بسته شدن محاکم شرع و خلع لباس روحانیت در عصر رضاشاه، نوادگان میرزا ابوالقاسم با تغییر نام خانوادگی، دوری‌ها و قطع علاقه‌ها را تسریع کردند. مرگ زودرس برخی از اعضای خاندان و خُلق نامناسب عده‌ای دیگر، بر زوال موقعیت اجتماعی میرزایی‌ها تأثیر گذاشت؛ بنابراین با مرگ تدریجی نسل دوم از بازماندگان میرزا ابوالقاسم، جایگاه بالای دینی و سیاسی میرزایی‌ها از جامعه زنجان برچیده شد.

منابع

اسناد

- اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان. (۱۴۰۲). زنجان: دفتر انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان.
 اسناد خاندان حسینی زنجانی. (۱۴۰۲). زنجان: دفتر آیت‌الله حسینی زنجانی.
 اسناد خاندان میرزایی. (۱۴۰۰). تهران: اسناد جعفر میرزایی نواده میرزا ابوالقاسم مجتهد.
 اسناد موزه مهرانه زنجان. (۱۴۰۲). زنجان: بنیاد موزه مهرانه زنجان. ۱۴۰۲.
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ۱۶۷۸۷/۰۱۶۷۸۷:۲۵۰/۲۹۶۷۰۰۵۵۰۶.

نسخه خطی

شرح زندگی علمای خمسه. (۱۴۰۰). زنجان: دفتر آیت‌الله حسینی زنجانی.

کتاب

- احتشام السلطنه، محمود. (۱۳۹۲). *خاطرات احتشام السلطنه*. (چ ۱). (سیدمحمد مهدی موسوی، کوشش گر). تهران: زوار.
 اعتضاد السلطنه. (۱۳۶۲). *فتنه باب*. (چ ۳). (توضیحات و مقالات به قلم عبدالحسین نوائی). تهران: بابک.
 امیرطهماسبی، عبدالله. (۱۳۰۵). *تاریخ شاهنشاهی اعلی حضرت رضاشاه کبیر*. تهران: مطبعه مجلس.
 انوشیروانی، س. و. (۱۳۶۱). «سرآغاز تجاری شدن کشاورزی در ایران». چاپ شده در کتاب: *مسائل ارضی و دهقانی: مجموعه مقالات*. (چ ۱). تهران: آگاه.
 براون، ادوارد. (۱۳۸۱). *یک سال در میان ایرانیان*. (مانی صالحی علامه، مترجم). تهران: ماه ریز.
 بیات، کاوه؛ کوهستانی نژاد، مسعود. (۱۳۷۲). *اسناد مطبوعات (۱۲۸۶-۱۳۲۰ ش)*. (چ ۱). تهران: سازمان اسناد ملی.
 بیات، مسعود. (۱۳۸۶). *انقلاب اسلامی در زنجان*. (چ ۱). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 تاپر، ریچارد. (۱۳۸۴). *تاریخ سیاسی اجتماعی شاهسون‌های مغان*. (حسن اسدی، مترجم). تهران: اختران.



- تفرشی حسینی، احمد. (۱۳۵۱). *روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران «یادداشت‌های سیداحمد تفرشی حسینی»*. (ایرج افشار، کوشش گر). تهران: امیرکبیر.
- جمال‌زاده، محمدعلی. (۱۳۶۲). *گنج شایگان*. (چ ۱). تهران: کتاب.
- حاجی‌وزیر زنجانی. (۱۳۸۹). *«خاطرات و خاندان: خاطرات حاجی‌وزیر زنجانی»*. چاپ‌شده در کتاب: *دفتر تاریخ: مجموعه اسناد و منابع تاریخی جلد ۴*. (ایرج افشار، کوشش گر). تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- خسروشاهی، هادی. (۱۳۹۵). *اسناد وزارت امور خارجه ایران درباره سیدجمال‌الدین اسدآبادی*. (چ ۱). تهران: اطلاعات.
- دارالسعادة زنجان: تحریر نفوس زنجان بر حسب محله‌های شهر*. (۱۳۹۷). (چ ۱). (حسن حسین‌علی، کوشش گر). زنجان: نیکان کتاب.
- رستمی، حسن. (۱۴۰۲). *مشروطیت در زنجان، ستیزه‌ها و کشمکش‌های گروه‌های اجتماعی و عناصر سیاسی و مذهبی در سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۹ ق*. (چ ۱). تهران: نگاه معاصر.
- روحانی، محمدرضا. (۱۳۴۷). *فرهنگ‌نامه زنجان*. (چ ۱). زنجان: پرچم.
- رئیس طوسی، رضا. (۱۴۰۱). *زوال نظام اجتماعی و فروپاشی دولت قاجار بر اساس اسناد آرشیو وزارت خارجه بریتانیا*. (چ ۱). تهران: نی.
- زرگری‌نژاد، غلام‌حسین. (۱۳۹۰). *رسائل مشروطیت: مشروطه به روایت موافقان و مخالفان*. (چ ۱). (چ ۲). تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- زنجانی، ابراهیم. (۱۳۹۳). *خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی*. (چ ۲). (غلام‌حسین میرزاصالح، کوشش گر). تهران: کویر.
- زنجانی، موسی. (۱۳۸۰). *الفهرست لمشاهیر و علماء زنجان*. (چ ۱). قم: آل‌عبا.
- سالور، قهرمان‌میرزا. (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*. (چ ۲). (چ ۱). (مسعود سالور و ایرج افشار، کوشش گران). تهران: اساطیر.
- سپهر، محمدتقی. (۱۳۵۱). *ناسخ‌التواریخ «سلاطین قاجاریه»*. (چ ۲). (محمدباقر بهبودی، مصحح و حاشیه‌نویس). قم: مؤسسه مطبوعات دینی.
- سررشته‌دار، میرزاعلی. (۱۳۸۰). *«سفرنامه راه تبریز به طهران»* چاپ‌شده در کتاب: *دفتر تاریخ: مجموعه اسناد و منابع تاریخی*. (چ ۱). (ایرج افشار، کوشش گر). تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- شبییری زنجانی، موسی. (۱۳۹۳). *جرعه‌ای از دریا: مقالات و مباحث شخصیت‌شناسی و کتاب‌شناسی*. (چ ۳). (چ ۱). قم: مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.
- شبییری زنجانی، موسی. (۱۳۹۹). *جرعه‌ای از دریا: مقالات و مباحث شخصیت‌شناسی و کتاب‌شناسی*. (چ ۴). (چ ۱). قم: مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه.

- عزیزالسلطان، غلام‌علی. (۱۳۷۶). *روزنامه خاطرات عزیزالسلطان (ملیجک ثانی)*. (ج ۲). (محسن میرزایی، کوشش گر). تهران: زریاب.
- عظیمی، فخرالدین. (۱۳۷۴). *بحران دموکراسی در ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۲)*. (ج ۲). (عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، مترجمان). تهران: البرز.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران: قاجاریه (۱۲۱۵-۱۳۳۲ ق)*. (ج ۱). (یعقوب آژند، مترجم). تهران: گستره.
- فیلد، هنری. (۱۳۴۳). *مردم‌شناسی ایران*. (عبدالله فریار، مترجم). تهران: ابن‌سینا.
- قاسمی اندرود، پرستو؛ خطیبی، بهمن. (۱۳۹۴). *فرامین شاهی دوره قاجار «دارالسعادة زنجان»*. زنجان: نیکان کتاب.
- کتاب نارنجی: گزارش‌های سیاسی وزارت امور خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران*. (۱۳۶۶). (ج ۲). (ج ۱). (احمد بشیری، کوشش گر). (فتح‌الله دیده‌بان و همکاران، مترجم). تهران: نور.
- کسروی، احمد. (۱۳۳۳). *ده سال در عدلیه*. (ج ۱). تهران: پیمان.
- کسروی، احمد. (۱۳۸۳). *تاریخ مشروطه ایران*. (ج ۲۱). تهران: امیرکبیر.
- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۸۰). *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه «تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر المآثر والأثار در احوال رجال دوره و دربار ناصری»*. (ج ۲). (ج ۲). (ایرج افشار، کوشش گر). تهران: اساطیر.
- مکی، حسین. (۱۳۷۴). *تاریخ بیست‌ساله ایران*. (ج ۸). تهران: علمی و فرهنگی.
- ملک‌زاده، مهدی. (۱۳۸۷). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (جلد چهارم و پنجم)*. (ج ۲). تهران: سخن.
- موسوی زنجان، حاج سیدابراهیم. (۱۳۵۲). *تاریخ زنجان: علما و دانشمندان*. تهران: کتاب‌فروشی مصطفوی-بوذرجمهری.
- میرزایی، جعفر. (بی‌تا). *یادمان زندگی*. زنجان: بی‌نا.
- ناظم‌الاسلام کرمانی. (۱۳۴۹). *تاریخ بیداری ایرانیان*. (ج ۲). (علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، کوشش گر). تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- یزدانی، سهراب. (۱۴۰۱). *روستایان و مشروطیت ایران*. (ج ۱). تهران: ماهی.

لوح الکترونیکی

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، مذاکرات دوره ۱ تا ۲۳. (۱۳۹۳). تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی.



مقاله

- بهزادی، محمدرضا. (۱۳۸۹). «زنجان عصر قاجار (پژوهشی در اسناد میرزا ابوالمکارم زنجانی)». *مجله تاریخ معاصر ایران*، شماره ۵۳ و ۵۴، صص ۲۷۷-۳۵۶.
- رستمی، حسن؛ بیات، مسعود. (بهار ۱۴۰۲). «بحران نان خمسه (زنجان) در اواخر دوره قاجار؛ دخالت‌ها و سیاست‌های گروه‌های نفوذ». *پژوهش‌های علوم تاریخی*، س ۱۵، ش ۱، صص ۷۱-۹۲.
- قدیمی قیداری، عباس؛ رستمی، حسن. (۱۴۰۱). «اندیشه‌ها و کنش‌های سیاسی میرزا ابوالمکارم و میرزا ابوطالب زنجانی؛ برگی از مشروطه زنجان و ایران». *مطالعات تاریخ اسلام*، س ۱۴، ش ۵۴، صص ۱۰۹-۱۴۴.
- مجلسی، فضل‌الله. (۱۳۵۰). «خاطراتی از مالیه مملکت در دوره قاجاریه». *خاطرات وحید*، س ۹، ش ۵، صص ۶۳-۶۵.
- موسوی میرزایی، کاظم. (۱۳۲۶ الف). «ما و خوانندگان؛ مرحوم میرزا ابوطالب موسوی و برادر ایشان». *مجله یادگار*، س ۳، شماره ۶ و ۷، صص ۱۳۱-۱۳۴.
- موسوی میرزایی، کاظم. (۱۳۲۶ ب). «ترجمه احوال مرحوم میرزا ابوطالب زنجانی». *مجله یادگار*، س ۳، ش ۸، صص ۳۵-۴۴.
- یکتایی، مجید. (۱۳۵۲). «مالیه کشور در زمان قاجار». *بررسی‌های تاریخی*، ش ۴۹، صص ۱۳۹-۱۷۶.

مصاحبه

- بحرینی، منوچهر. (۱۴۰۲). مصاحبه با منوچهر بحرینی. زنجان: دفتر انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان.
- حسینی زنجانی، محمد. (۱۴۰۲). مصاحبه با آیت‌الله حسینی زنجانی. زنجان: دفتر آیت‌الله حسینی زنجانی.
- قائمی، عبدالعزیز. (۱۴۰۲). مصاحبه با عبدالعزیز قائمی. زنجان: دفتر انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان.
- گل‌پسند، رحمان. (۱۴۰۲). مصاحبه با رحمان گل‌پسند. زنجان: بازار پائین، کوچه میرزایی.
- میرزایی، محسن. (۱۳۹۹). مصاحبه با محسن میرزایی. تهران: دفتر محسن میرزایی.

نشریات

- روزنامه *انجمن تبریز*، س ۱، ش ۱۴۳، ۲۲ شعبان ۱۳۲۵ ق.
- روزنامه *پروین خمسه*، س ۲، ش ۱۶۰، ۶ ربیع‌الآخر ۱۳۵۱ ق / ۱۷ مرداد ۱۳۱۱ ش.
- روزنامه *پروین خمسه*، س ۳، ش ۲۸۱، ۱۳ رمضان ۱۳۵۲ ق / ۱۰ دی ۱۳۱۲ ش.
- روزنامه *حبل‌المتین کلکته*، س ۱۲، ش ۱۳، ۱۹ رمضان ۱۳۲۲ ق.
- روزنامه *حبل‌المتین کلکته*، س ۱۴، ش ۲۳، ۶ ذی‌حجه ۱۳۲۴ ق.
- مجله آئین اسلام*، ش ۱۴۳، یکشنبه ۱۰ دی ماه ۱۳۲۵ ش.
- مجله مرد امروز*، ش ۸۴، شنبه ۹ آذر ۱۳۲۵ ش.



English Translation of References

Documents

Asnād-e Anjoman-e Tārix va Farhang-e Zanjān (Documents of Zanjan History and Culture Association). (1402/2023). Zanjān: Daftar-e Anjoman-e Tārix va Farhang-e Zanjān (Zanjan History and Culture Association Office). [Persian]

Asnād-e Muze-ye Mehrāne-ye Zanjān (Mehraneh Museum of Zanjan Documents). (1402/2023). Zanjān: Bonyād-e Muze-ye Mehrāne-ye Zanjān (Mehraneh Museum of Zanjan). 1402/2023. [Persian]

Asnād-e Xāndān-e Hoseini-ye Zanjāni (Documents of Hosseini Zanjani family). (1402/2023). Zanjān: Daftar-e Āyatollāh Hoseini-ye Zanjāni (Office of Ayatollah Hosseini Zanjani). [Persian]

Asnād-e Xāndān-e Mirzāyi (Documents of Mirzaei family). (1400/2021). Tehran: Asnād-e Ja'far-e Mirzāyi navāde-ye Mirzā Abolqāsem-e Mojtahed (Documents of Jafar Mirzaei, the descendant of Mirza Abu al-Qasem Mojtahed). [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran(: 250/016787; 296/005506. [Persian] [Persian]

Manuscripts

“Šarh-e zendegi-ye ‘olamā-ye xamseh” (Description of the lives of Khamsa scholars). (1400/2021). Zanjān: Daftar-e Āyatollāh Hoseini-ye Zanjāni (Office of Ayatollah Hosseini Zanjani). [Persian]

Books

Amir Tahmasebi, Abdollah. (1305/1926). *“Tārix-e šāhansāhi-ye a'lā-hazrat Rezā Šāh-e Kabir”* (Imperial history of His Highness Reza Shah Kabir). Tehran: Matba'è-ye Majles. [Persian]

Anoushiravani, S. V. (1361/1982). “Sarāqāz-e tejāri šodan-e kešāvarzi dar Irān” (The beginning of the commercialization of agriculture in Iran). In *“Masā'el-e arzi va dehqāni: Majmu'e-maqālāt”* (Agrarian and Peasant Issues: Collection of articles) (1st ed.). Tehran: Āgāh. [Persian]



- Azimi, Fakhreddin. (1374/1995). *“Bohrān-e demokrāsi dar Irān 1320 – 1332”* (Iran, The crisis of democracy, 1989) (2nd ed.). Translated by Abdorreza Houshang Mahdavi & Bijan Nozari. Tehran: Alborz. [Persian]
- Aziz al-Soltan, Gholam Ali. (1376/1997). *“Ruznāme-ye xāterāt-e ‘Aziz-os-Soltān (Malijak-e Sāni)”* (Aziz al-Sultan’s Diary (Malijak Sani)) (vol. 2). Edited by Mohsen Mirzayi. Tehran: Zaryāb. [Persian]
- Bayat, Kaveh; & Kouhestani Nejad, Masoud (Eds.). (1372/1993). *“Asnād-e matbu’āt 1286-1320”* (Press documents 1907-1941) (vol. 1). Tehran: Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān (National Archives Organization of Iran). [Persian]
- Bayat, Masoud. (1386/2007). *“Enqelāb-e eslāmi dar Zanjān”* (Islamic revolution in Zanjan) (1st ed.). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]
- Browne, Edward. (1381/2002). *“Yek sāl dar miyān-e Irāniyān”* (A year amongst the Persians: Impressions as to the life, character). Translated by Mani Salehi Allameh. Tehran: Māhriz. [Persian]
- “Dār-os-Sa’āde-ye Zanjān: Tahrir-e nofus-e Zanjān bar hasb-e mahalle-hā-ye šahr”* (Tahrir Nafus Zanjan) (1st ed.). (1397/2018). Edited by Hasan Hossein Ali. Zanjān: Nikān Ketb. [Persian]
- Ehtesham Al-Saltaneh. (1392/2013). *“Xāterāt-e Ehtešāmossaltaneh”* (Memories of Ehtesham Al-Saltaneh). (2nd ed). Edited by Mohammad Mehdi Mousavi. Zawār. [Persian]
- Etehad Al-Saltaneh. (1362/1983). *“Fetne-ye Bāb”* (Riot of Bābism) (3rd ed.). Explanations and articles by Abdolhossein Navayi. Tehran: Bābak. [Persian]
- Field, Henry. (1343/1964). *“Mardom-šenāsi-ye Irān”* (Contributions to the anthropology of Iran). Translated by Abdollah Faryar. Tehran: Ebn-e Sinā.
- Ghasemi Androud, Parastou; & Khatibi, Bahman. (1394/2015). *“Farāmin-e šāhi-ye dowre-ye Qājār: Dār-os-Sa’ādeh”* (The royal edicts of the Qajar period). Zanjān: Nikān-e Ketāb. [Persian]



- Haji Vazir Zanjani. (1389/2010). "Xāterāt va xāndān: Xāterāt-e Hāji-vazir-e Zanjāni" (Memories of Haji Vazir Zanjani). In Iraj Afshar (Ed.), "*Daftar-e tārix: Majmu'e-asnād va manābe'-e tārixī*" (Collection of historical documents and sources) (vol. 4). Tehran: Bonyād-e Mowqufāt-e Afšār (Dr. Mahmoud Afshar Foundation). [Persian]
- Issavi, Charles Phillip. (1362/1983). "*Tārix-e eqtesādi-ye Irān: Qājārieh 1215-1332 AH*" (The economic history of Iran Translated by Yaghoub Azhand Tehran: Gos-tareh. [Persian]
- Jamalzadeh, Mohammad Ali. (1362/1983). "*Ganj-e Šāygan*" (The worthy treasure) (1st ed.). Tehran: Ketāb. [Persian]
- Kasravi, Ahmad. (1323/1934). "*Dah sāl dar 'adliyah*" (10 years in the judiciary) (1st ed.). Tehran: Peymān. [Persian]
- Kasravi, Ahmad. (1383/2004). "*Tārix-e mašrute-ye Irān*" (The constitutional history of Iran) (21st ed.). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- "*Ketāb-e nārenji: Gozāreš-hā-ye siāsi-ye vezārat-e 'omur-e xāreje-ye Rusie-ye Tezāri darbāre-ye enqelāb-e mašrute-ye Irān*" (Orange book: Political reports of the Ministry of Foreign Affairs of Tsardom of Russia on the Iranian constitutional revolution) (vol. 2) (1st ed.). (1366/1987). Edited by Ahmad Bashiri. Translated by Fathollah Dideban et al. Tehran: Nur. [Persian]
- Khosroshahi, Hadi. (1395/2016). "*Asnād-e vezārat-e omur-e xāreje-ye Irān darbāre-ye Seyyed Jamāl-ed-Din-e Asadābādi*" (Documents of the Ministry of Foreign Affairs of Iran about Seyyed Jamaluddin Asadabadi) (1st ed.). Tehran: Ettelā'āt. [Persian]
- Mahboubi Ardakani, Hossein. (1380/2001). "*Čhel sāl tārix-e Irān dar dowre-ye pādešāhi-ye Nāser-ed-Din Šāh: Ta'liqāt-e Hosein-e Mahbubi-ye Ardakāni bar Al-Ma'āser val-Āsār dar ahvāl-e rejāl-e dowreh va darbār-e Nāseri*" (Forty years of Iran's history during the reign of Naser al-Din Shah) (vol. 2) (2nd ed.). edited by Iraj Afshar. Tehran: Asātir. [Persian]



- Makki, Hossein. (1374/1995). *“Tārix-e bist-sāle-ye Irān”* (The twenty-year history of Iran) (vol. 8). Tehran: ‘Elmi Farhangi. [Persian]
- Malekzadeh, Mahdi. (1387/2008). *“Tārix-e enqelāb-e mašrutiyat-e Irān”* (The history of the constitutional revolution of Iran) (vols. 4 & 5) (2nd ed.). Tehran: Soxan. [Persian]
- Mirzayi, Jafar. (n. d.). *“Yādmān-e zendegi”* (The memory of life). Zanjān: n. p. [Persian]
- Mousavi Zanjani, Haj Seyyed Ebrahim. (1352/1273). *“Tārix-e Zanjān: ‘Olamā va dānešmandān”* (History of Zanjān: Scholars and scientists). Tehran: Ketāb-foruši-ye Mostafavi – Buzarjomehri. [Persian]
- Nazem Al-Eslam Kermani. (1349/1970). *“Tārix-e bidāri-ye Irāniān”* (History of the Iranian awakening) (vol. 2). Edited by Ali Akbar Saeedi Sirjani. Tehran: Entesārāt-e Bonyād-e Farhang-e Irān (Iranian Culture Foundation). [Persian]
- Raeis Tousi, Reza. (1401/2022). *“Zavāl-e nezām-e ejtemā’ee va forupāši-ye dowlāt-e Qājār bar asās-e asnād-e āršiv-e vezārat-e xāreje-ye Beritāniyā”* (The decline of the social system and the collapse of the Qajar government based on British Foreign Ministry archive documents) (1st ed.). Tehran: Ney. [Persian]
- Rohani, Mohammad Reza. (1347/1968). *“Farhang-nāme-ye Zanjān”* (Dictionary of Zanjān) (1st ed.). Zanjān: Parčam. [Persian]
- Rostami, Hasan. (1402/2023). *“Mašrutiyat dar Zanjān, setize-hā va kešmakeš-hā-ye goruh-hā-ye ejtemā’ee va ‘anāser-e siyāsi va mazhabi dar sāl-hā-ye 1324 – 1329 AH”* (Constitutionalism in Zanjān: Conflicts of social groups and political and religious elements in 1324 – 1329 AH / 1906 – 1911 AD) (1st ed.). Tehran: Negāh-e Mo’āser. [Persian]
- Salour, Ghahreman Mirza. (1374/1995). *“Ruznāme-ye xāterāt-e ‘Eyn-os-Saltaneh”* (The daily memoirs of Eyn Al-Saltaneh) (vol. 2) (1st ed.). Edited by Masoud Salour & Iraj Afshar. Tehran: Asātir. [Persian]
- Sarreshtedar, Mirza Ali. (1380/2001). “Safarnāme-ye rāh-e Tabriz be Tehrān” (Tabriz to Tehran: Travel Guide). In Iraj Afshar (Ed.), *“Daftar-e tārix: Majmu’e-asnād va manābe’e tārixī”* (Collection of historical documents and sources) (vol. 1). Tehran: Bonyād-e Mowqufāt-e Afšār (Dr. Mahmoud Afshar Foundation). [Persian]



- Sepehr, Mohammad Taghi. (1351/1972). *“Nāsex-ot-tavārix: Salātīn-e Qājāriyeh”* (The Corrector of Chronologies) (vol. 2). Edited & annotated by Mohammad Bagher Behboudi. Qom: Mo’assese-ye Matbu’āt-e Dini. [Persian]
- Shobeiri Zanjani, Musa. (1393/2014). *“Jor’e-ee az daryā: Maqālāt va mabāhes-e šaxsiyat-šenāsi va ketāb-šenāsi”* (A sip of the sea: Essays and discussions on personality and bibliography) (vol. 3) (1st ed.). qom: Mo’assese-ye Ketāb-šenāsi-ye Šīeh. [Persian]
- Shobeiri Zanjani, Musa. (1399/2020). *“Jor’e-ee az daryā: Maqālāt va mabāhes-e šaxsiyat-šenāsi va ketāb-šenāsi”* (A sip of the sea: Essays and discussions on personality and bibliography) (vol. 4) (1st ed.). qom: Mo’assese-ye Ketāb-šenāsi-ye Šīeh. [Persian]
- Tafreshi Hosseini, Ahmad. (1351/1972). *“Ruznāme-ye axbār-e mašrutīyat va enqelāb-e Irān: Yāddāšt-hā-ye Seyyed Ahmad-e Tafrešī-ye Hosseini”* (Iran’s constitutional and revolution newspaper: Notes of Seyyed Ahmad Tafreshi Hosseini). Edited by Iraj Afshar. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Tapper, Richard. (1384/2005). *“Tārix-e siyāsi-ejtemā’ee-ye Šāhsavan-hā-ye Moqān”* (Frontier nomads of Iran). Translated by Hasan Asadi. Tehran: Axtarān. [Persian]
- Yazdani, Sohrab. (1401/2022). *“Rustāeeyān va mašrutīyat-e Irān”* (Peasants and Iran’s constitutionalism) (1st ed.). Tehran: Māhi. [Persian]
- Zanjani, Ebrahim. (1393/2014). *“Xāterāt-e Šeīx Ebrāhim-e Zanjāni”* (Memoirs of Sheikh Ebrahim Zanjani) (2nd ed.). Edited by Gholam Hossein Mirza Saleh. Tehran: Kavir. [Persian]
- Zanjani, Musa. (1380/2001). *“Al-fehrest ol-mašāhir va ‘olamā’-e Zanjān”* (The list of celebrities and scholars of Zanjan) (1st ed.). Edited by Gholam Hossein Mirza Saleh. Qom: Āl-e ‘Abā. [Persian]
- Zargarinejad, Gholam Hossein. (1390/2011). *“Rasā’el-e mašrutīyat; mašruteh be ravāyat-e movāfeqān va moxālefān”* (Constitutional messages; Constitution according to supporters and opponents) (vol. 1) (2nd ed.). tehran: Mo’assese-ye Tahqiqāt va Towsēe-ye ‘Olum-e Ensāni. [Persian]

Electronic Disk

- “Mašruh-e mozākerāt-e majles-e šorā-ye melli, mozākerāt-e dowre-ye 1 tā 23”* (Annotated deliberations of the National Council, deliberations of the 1st to 23rd



term). (1393/2014). Tehran: Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]

Articles

Behzadi, Mohammad Reza. (1389/2010). "Zanjān-e 'asr-e Qājār: Pažuheši dar asnād-e Mirza Abol-Makārem-e Zanjāni" (Zanjan of the Qajar era: A study on the records of Mirza Abu al-Makarem Zanjani). *Majalle-ye Tārix-e Mo'āser-e Irān* (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) (IICHS), issues 53 & 54, pp. 277 – 356. [Persian]

Ghadimi Gheydari, Abbas; & Rostami, Hassan. (1401/2022). "Andiše-hā va koneš-hā-ye siyāsi-ye Mirzā Abol-Makārem va Mirzā Abu-Tāleb-e Zanjāni, bargi az mašrute-ye Zanjān va Irān" (Thoughts and actions of Mirza Abolmakarem and Mirza Aboutaleb Zanjani, as a part of the constitutional movement of Zanjan and Iran). *Motāle'āt-e Tārix-e Eslām* (A Quarterly Journal of Historical Studies of Islam), 14(54), pp. 109 – 144. [Persian]

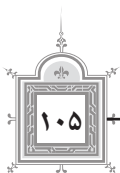
Majlesi, Fazlollah. (1350/1971). "Xāterāti az māliye-ye mamlekat dar dowre-ye Qājāriyeh" (Memories of the country's finances during the Qajar period). *Xāterāt-e Vahid*, 9(5), pp. 63 – 65. [Persian]

Mousavi Mirzayi, Kazem. (1326/1947a). "Mā va xānandegān; Marhum Mirzā Abu-Tāleb-e Musavi va barādar-e išan" (The late Mirza Abutaleb Mousavi and his brother). *Majalle-ye Yādegār*, 3(6 & 7), pp. 131 – 134. [Persian]

Mousavi Mirzayi, Kazem. (1326/1947b). "Tarjome-ye ahvāl-e Marhum Mirzā Abu-Tāleb-e Musavi" (Translation of the status of the late Mirza Abu Taleb Zanjani). *Majalle-ye Yādegār*, 3(8), pp. 35 – 44. [Persian]

Rostami, Hassan; & Bayat, Masoud. (Spring 1402). "Bohrān-e nān-e xamseh (Zanjān) dar avāxer-e dowre-ye Qājār; dexālat-hā va siyāsat-hā-ye goruh-hā-ye nofuz" (Khamseh bread crisis (Zanjan) at the end of the Qajar period; Interventions and policies of influential elders and groups). *Pažuheš-hā-ye 'Olum-e Tārixī* (Historical Sciences Studies), 15(1), pp. 71 – 92. [Persian]

Yektayi, Majid. (1352/1973). "*Māliye-ye kešvar dar zaman-e Qājār*" (Country finance during the Qajar period). *Barresi-hā-ye Tārixī*, 49, pp. 139 – 176. [Persian]



Interviews

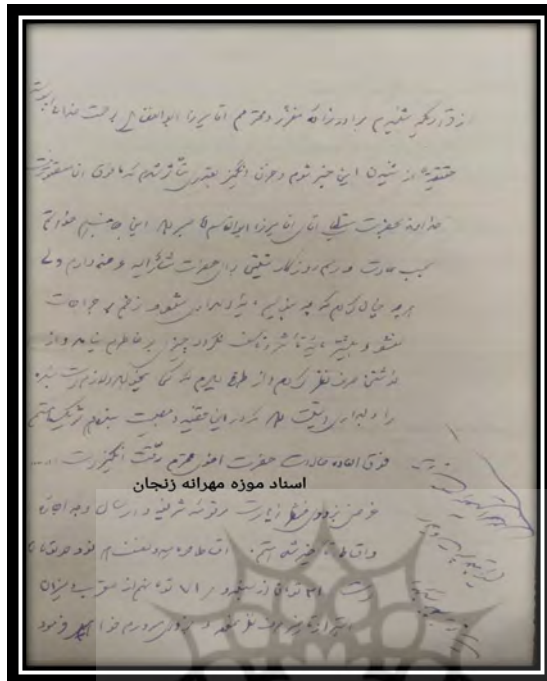
- Bahraini, Manouchehr. (1402/2023). Interview with ManuČehr Bahreyni. Zanjān: Daftar-e Anjoman-e Tārix va Farhang-e Zanjān (Zanjan History and Culture Association). [Persian]
- Ghaemi, Abdul-Aziz. (1402/2023). Interview with ‘Abdol- ‘Aziz Qāemi. Zanjān: Daftar-e Anjoman-e Tārix va Farhang-e Zanjān (Zanjan History and Culture Association). [Persian]
- Golpasand, Rahman. (1402/2023). Interview with Rahmān Golpasand. Zanjān: Bāzār-e pāyīn, Kučē-ye Mirzāyi (Lower Bazaar, Mirzaei Alley). [Persian]
- Hosseini Zanjani, Mohammad. (1402/2023). Interview with Āyatollāh Hosseini Zanjāni. Zanjān: Daftar-e Āyatollāh Hosseini Zanjāni (Office of Ayatollah Hosseini Zanjani). [Persian]
- Mirzaei, Mohsen. (1399/2020). Interview with Mohsen Mirzāyi. Tehran: Daftar-e Mohsen Mirzāyi (Mohsen Mirzayi’s office). [Persian]

Press

- Majalle-ye Āyin-e Eslām*, issue 143, Sunday, 1 Dey 1325 SH / 22 December 1946. [Persian]
- Majalle-ye Mard-e Emruz*, issue 84, Saturday, 9 Āzar 1325 SH / 30 November 1946. [Persian]
- Ruznāme-ye Anjoman-e Tabriz*, year 1, issue 143, 22 Ša’bān 1325 AH / 30 September 1907. [Persian]
- Ruznāme-ye Habl-ol-Matin-e Kalkateh (Habl al-Matin)*, year 12, issue 13, 19 Ramezān 1322 AH / 27 November 1904. [Persian]
- Ruznāme-ye Habl-ol-Matin-e Kalkateh (Habl al-Matin)*, year 14, issue 23, 6 Dhu al-Hijjah 1324 AH / 21 January 1907. [Persian]
- Ruznāme-ye Parvin-e Xamseh*, year 3, issue 160, 6 Rabi’-ol-āxar 1351 AH / 18 Mordād 1311 SH / 9 August 1932. [Persian]
- Ruznāme-ye Parvin-e Xamseh*, year 3, issue 281, 13 Ramezān 1352 AH / 10 Dey 1312 SH / 31 December 1933. [Persian]



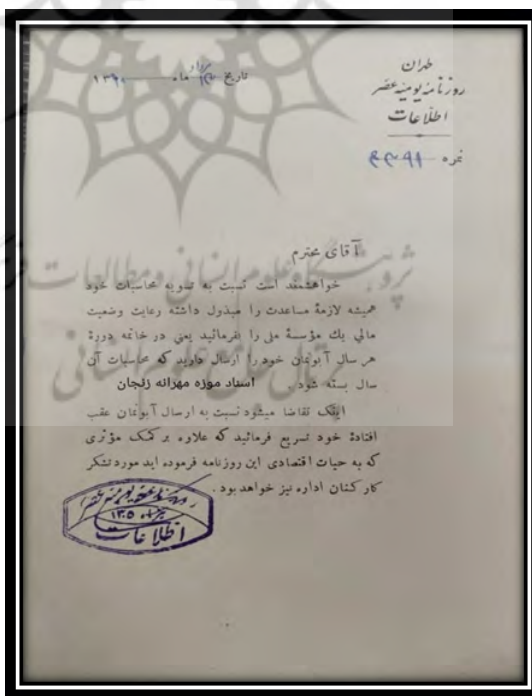
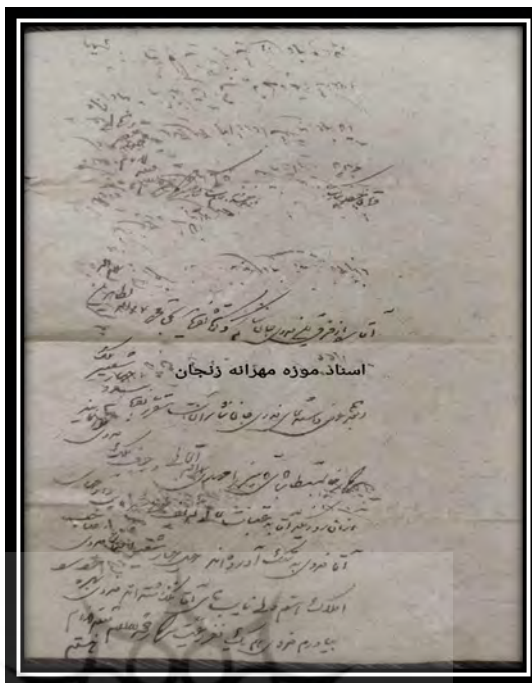
تصاویر اسناد



تصاویر اسناد

(اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲)

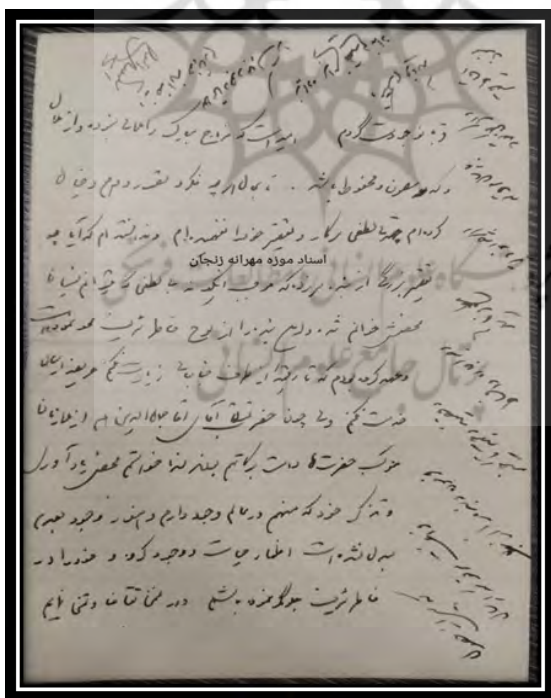
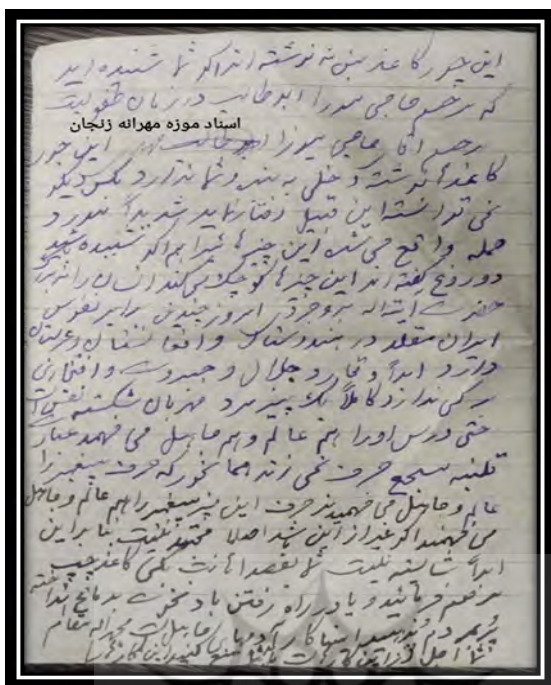




ادامه تصاویر اسناد

(اسناد موزه مهزانه زنجان، ۱۴۰۲)

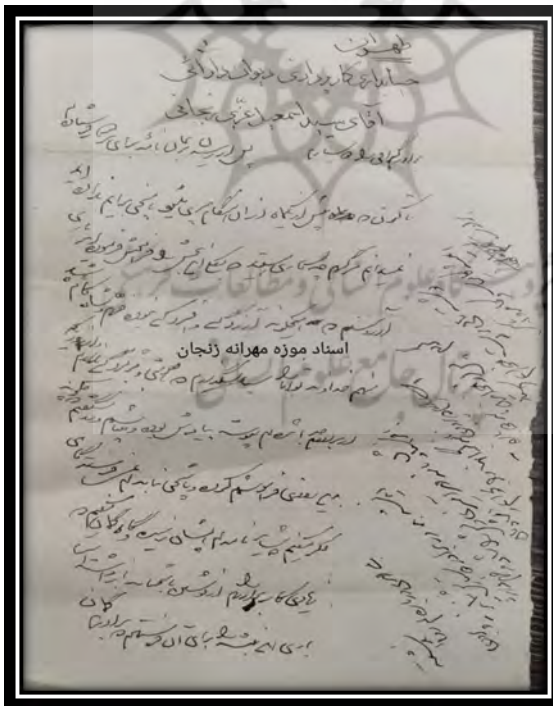




ادامه تصاویر اسناد

(اسناد موزه مهراانه زنجان، ۱۴۰۲)

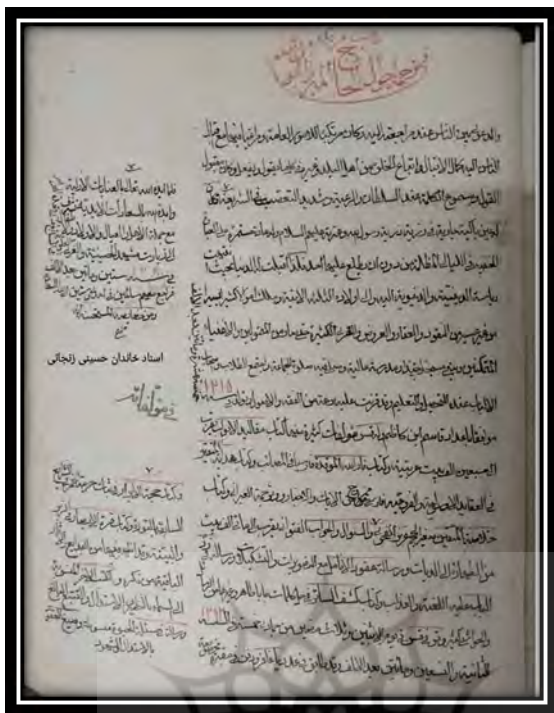




ادامه تصاویر اسناد

(اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲)





ادامه تصاویر اسناد

(اسناد خاندان حسینی زنجانی، ۱۴۰۲)



ادامه تصاویر اسناد

(ساکما، شماره سند ۰۰۵۵۰۶/۰۲۹۶، ص ۲)



اسناد خاندان میزایی

ردیف	تاریخ	شرح	مبلغ	توضیحات
۱	۱۳۰۰
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰

اسناد خاندان میزایی

ادامه تصاویر اسناد

(اسناد خاندان میزایی، ۱۴۰۰)

روز دوشنبه شانزدهم ماه جمادی الثانی سنه ۱۳۰۰

بسم الله الرحمن الرحیم

در این روز که در روز دوشنبه شانزدهم ماه جمادی الثانی سنه ۱۳۰۰ در این شهر مقدس...

... (The rest of the text is a dense block of handwritten Persian script, partially obscured by a watermark) ...

ادامه تصاویر اسناد

(ساکما، شماره سند ۱۶۷۸۷/۰۲۵۰۰، ص ۱۰)

